

امام مہدی^(ع) و میراث سلف



تقديم به ساحت مقدس حضرت مولانا
صاحب الزمان ارواحنا له الفداء

امام مہدی علیہ السلام
و
میراث سلف صالح

با مقدمہ
حضرت آیۃ اللہ صابری ہمدانی

جلالیان، حسن
 امام مهدی (عج) و میراث سلف صالح / حسن جلالیان؛ با
 مقدمه صابری همدانی. -- تهران: موعود عصر (عج)، ۱۳۸۴.
 ۱۰۸ ص.
 ISBN: ۹۷۸-۹۶۴-۶۹۶۸-۸۵-۱
 فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.
 کتابنامه به صورت زیرنویس.
 ۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - الف.
 صابری همدانی، احمد، ۱۳۰۲ - ب. عنوان.
 ۸الف ۸ج / ۵۱BP
 ۲۹۷/۹۵۹
 کتابخانه ملی ایران
 ۴۰۷۰۵ - ۸۴ م

امام مهدی (ع) و میراث سلف صالح

(با مقدمه حضرت آیت الله صابری همدانی)

نویسنده: حسن جلالیان

ناشر: موعود عصر (ع)

سال نشر: زمستان ۱۳۸۸

امام مهدی (ع) و میراث سلف

انتشارات موعود

ISBN: 978-964-6968-85-1

قیمت: ۲۰۰,۰۰۰ ریال



9

789646 968851

تلفن مرکز پخش: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۳۷۴ نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۳۴۷

فروشگاه اینترنتی www.shop.mouood.com

نشانی ناشر: تهران - صندوق پستی ۸۳۴۷-۱۴۱۵۵

تلفن: ۶۶۹۵۶۱۶۷ نمابر: ۶۶۹۵۶۱۶۸

اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَ غَيْبَةَ وَلِيِّنَا وَ
شِدَّةَ الزَّمانِ عَلَيْنَا وَ وَقُوعَ الْفِتَنِ وَ تَظَاهِرَ الْاَعْدَاءِ
وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا فَافْرُجْ ذَلِكَ يَا رَبَّ عَنَّا
بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ نَصْرٍ مِنْكَ تُعِزُّهُ وَ اِمَامٍ عَدْلٍ
تُظْهِرُهُ اِلَهَ الْحَقِّ اٰمِيْنَ

فهرست موضوعات

مقدمه حضرت آية الله صابري همداني	۹
مقدمه	۱۰
فصل اول:	۱۱
امام مهدي عليه السلام وارث علم انبيا و اوصياي سلف عليهم السلام	۱۱
فصل دوم:	۱۷
امام مهدي عليه السلام وارث اسم اعظم	۱۷
فصل سوم:	۲۱
امام مهدي عليه السلام وارث صحف انبيا عليهم السلام	۲۱
فصل چهارم:	۲۹
امام مهدي عليه السلام وارث ودایع انبيا عليهم السلام	۲۹
۱- عصای موسی عليه السلام	۳۱
۲- خَجَر (سنگ) حضرت موسی عليه السلام	۳۴
۳- تابوت الشهاده (تابوت سکینه)	۳۶
۴- پیراهن حضرت یوسف عليه السلام	۳۹
۵- طشت حضرت موسی عليه السلام	۳۹
، انگشتر حضرت سلیمان عليه السلام، شمشیر، پرچم و	
زره پیامبر ﷺ	۴۱
فصل پنجم:	۴۷
امام مهدي عليه السلام وارث ودایع امامت	۴۷
۱- کتاب جامعه علی عليه السلام	۴۹

کتاب الطهارة:	۵۸
کتاب الزکوة	۵۹
کتاب الحدود	۵۹
کتاب الديات	۵۹
۲- مُصَحَّفِ اميرالمؤمنين، على عليه السلام	۶۰
معناى مصحف	۶۰
اما مصحف على عليه السلام چیست؟	۶۰
فصل ششم:	۶۵
امام مهدي عليه السلام وارث مصحف حضرت فاطمه عليها السلام	۶۵
فهرست منابع و مأخذ	۷۱
ملحقات	۷۵

مقدمه حضرت آیه الله صابری همدانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ودایع و مواریث پیامبران که در اخبار و آثار اسلامی بدانها اشاره شده عطیه ویژه الهی است که در دست انبیای بزرگ و برخی از اوصیا و جانشینان آنان بوده است و نشانه رهبری دینی و الهی شناخته می شده، پیغمبر بزرگ اسلام همه این ودایع و مواریث را به علاوه علوم جمیع انبیا علیهم السلام دارا بوده و از آن حضرت به خلیفه و جانشین آن حضرت امیرالمؤمنین امام علی بن ابی طالب علیه السلام منتقل شده و از آن حضرت به سایر امامان معصوم یکی پس از دیگری رسیده است و اکنون همه آن ودایع و مواریث با مصحف فاطمه زهرا سلام الله علیها و کتاب جفر و جامعه امام علی بن ابی طالب علیه السلام که حاوی احکام و مسائل زیاد و مخصوص آن حضرت است نزد امام دوازدهم امام زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود است و وارث همه آنها است.

مؤلف محترم کتاب (امام مهدی علیه السلام و میراث سلف صالح) فاضل ارجمند جناب آقای حسن جلالیان دام توفیقه زحمت کشیده این ودایع و مواریث را از کتب معتبره گردآورده در اختیار علاقه مندان قرار داده است. گرچه برخی از روایات توجیه و تأویل مناسب را می طلبد اما در مجموع برای خوانندگان مفید و موجب ارادت و اعتقاد به ائمه اطهار علیهم السلام می گردد.

خداوند مؤلف را پاداش بزرگ عطا فرماید.

احمد صابری همدانی

۱۴۲۵ ق، برابر ۱۳۸۳ ش

مقدمه

با تقدیم خالصانه‌ترین سلام‌ها و درودها به جان جهان، یادگار علی و فاطمه، امام مهدی علیه السلام. مقدمه این کتاب را با حمد و سپاس به درگاه مقدس حضرتش آغاز نمایم و خدای سبحان را شاکرم که این توفیق را به بنده خویش عنایت فرمود تا با بضاعت اندک در راستای یکی از موضوعات مربوط به امامت امام مهدی علیه السلام قلم بزنم.

انگیزه‌ام از نوشتن کتاب معرفی و شناساندن بخشی از مسائلی است که به آن بزرگوار مربوط می‌شود و تا کنون کتابی مستقل در این موضوع ندیده‌ام.

این کتاب با استفاده از آیات و روایات از کتب مهم و معتبر تهیه شده و موضوع آن مواردی است که از انبیای بزرگ الهی و امیرالمؤمنین علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام به دست امام عصر علیه السلام رسیده است؛ آن بزرگوار از این موارد در حرکت عظیم ظهور و قیامش استفاده می‌نماید.

لازم می‌دانم که دانشمند معظم و مجتهد عالیقدر حضرت آیه الله آقای صابری همدانی که این اثر را در دو نوبت بررسی و مقدمه‌ای نیز بر آن تنظیم نمودند کمال تشکر و سپاسگذاری را داشته باشم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

حسن جلالیان

فصل اول

امام مهدی علیه السلام وارث علم انبیا
و اوصیای سلف علیهم السلام

امام مهدی علیه السلام که راهنمای امت است، همه علوم انبیا و ائمه پیش از خود را به تمامی به ارث برده و میراث دار جمیع دانش ها است.

در این باب احادیثی از ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده است که اثبات می نماید همه علوم و دانش هایی که در نزد پیامبران الهی و ائمه معصومین بوده است به آخرین حجت الهی و دوازدهمین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است و حضرت مهدی علیه السلام وارث علوم انبیا و ائمه است.

برای نمونه چندین حدیث که مؤید این موضوع است را در این بخش ذکر می کنیم. امام باقر علیه السلام فرمود:

انَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ عليه السلام لَمْ يَرْفَعْ وَالْعِلْمُ يَتَوَارَثُ وَكَانَ عَلِيُّ عليه السلام عَالِمَ هَذِهِ الْأُمَمَةِ وَ أَنَّهُ لَمْ يَهْلِكْ مِنَّا عَالِمٌ قَطُّ إِلَّا خَلَفَهُ مِنْ أَهْلِهِ مِنْ عِلْمٍ مِثْلَ عِلْمِهِ أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ.^۱

علمی که با حضرت آدم علیه السلام نازل شد برداشته نشد و علم به ارث می رود، علی علیه السلام عالم این امت بوده و حق این است که از خانواده ما هرگز عالمی نمیرد مگر آنکه کسی از اهلش که مثل علم او را بداند جایگزینش گردد یا آنچه را خدا خواهد.

این حدیث شریف معلوم می نماید آن علوم می که به حضرت آدم علیه السلام نازل شده، از بین نرفته بلکه به عنوان میراث نبوت به خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله رسیده است و از ایشان هم به ائمه دوازده گانه که آخرین آن بزرگواران امام مهدی علیه السلام است.

۱. اصول کافی (۶ جلدی)، ج ۲ (کتاب الحجه باب ان الائمة علیهم السلام ورثه العلم)، ح ۲، ص ۱۸۸ با ترجمه مرحوم آیه الله محمد باقر کمره ای.

و در حدیثی دیگر از امام صادق علیه السلام وارد شده است که آن بزرگوار فرمودند:

أَنَّ الْعِلْمَ الَّذِي نَزَلَ مَعَ آدَمَ عليه السلام لَمْ يَرْفَعْ وَ مَا مَاتَ عَالِمٌ إِلَّا وَ قَدْ وُورِثَ عِلْمُهُ، أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَبْقَى بِغَيْرِ عَالِمٍ.^۱

به درستی علمی که با آدم علیه السلام نازل شد برداشته نشد، عالمی نمرده مگر اینکه علم خود را به دیگری به ارث داده است، به راستی زمین بی عالم نمی ماند.

وجود مبارک امام مهدی علیه السلام صاحب تمامی علوم و دانشهای پیشین است و این علوم برای حرکت عظیمی که آن بزرگوار قصد انجامش را دارد لازم است؛ زیرا آن کس که قرار است عالیتین حکومت روی زمین را بر مبنای عدل: قسط و دین خدا اقامه کند و وعده خدا را در روی زمین تحقق بخشد و موعود تمام ادیان توحیدی و غیر توحیدی است، باید تمام علوم و دانشها را در خود داشته باشد.

آن بزرگوار انسان کامل و مطلق در جهان هستی است که ما چشم به انتظار ظهورش دوخته ایم و امید است که توفیق دیدارش را در ظهور ملکوتیش نظاره گر باشیم. ان شاء الله.

روایتی دیگر از وجود مبارک امام باقر علیه السلام در این خصوص نقل شده است:

عن ابي جعفر عليه السلام قال رسول الله صلى الله عليه وآله

أَنَّ أَوَّلَ وَصِيٍّ كَانَ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ، هِبَةُ اللَّهِ بَنِ آدَمَ عليه السلام وَ مَا مِنْ نَبِيٍّ مَضَى إِلَّا وَلَهُ وَصِيٌّ وَ كَانَ جَمِيعُ الْأَنْبِيَاءِ

۱. اصول کافی (۶ جلدی)، ج ۲ (کتاب الحجه، باب ان الائمه عليهم السلام ورثه العلم)، ج ۸، ص ۱۹۲ با ترجمه مرحوم آية الله محمد باقر کمره ای.

مائة الف نبی و عشرين الف نبی منهم خمسة اولوالعزم،
نوح و ابراهيم و موسى و عيسى و محمد (عليهم
السلام) و انَّ عليَّ بن ابی طالب عليه السلام كان هبة الله لمُحمَّد
و وَرِثَ علمَ الأوصياء و علمَ مَنْ كانَ قبلَه، أما انَّ محمَّداً
وَرِثَ علمَ مَنْ كانَ قبلَه من الأنبياء و المرسلين.^۱
امام باقر عليه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: به درستی نخستین وصی
که در روی زمین بوده است، هبه الله، پسر آدم عليه السلام بوده و
پیامبری درنگذشت مگر اینکه وصی داشت، همه
پیامبران یکصد و بیست هزار بودند که پنج نفر آنها
اولوالعزمند؛ نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد
علیهم السلام؛ و براستی علی بن ابی طالب عليه السلام هبه الله
برای محمد صلی الله علیه و آله بوده و علم همه اوصیا و پیشینیان
خود را به ارث برده است و محمد صلی الله علیه و آله علم همه انبیا و
مرسلین پیش از خود را به ارث برده است

۱. اصول کافی (۶ جلدی)، ج ۲ (کتاب الحجه، باب ان الائمه ورثوا علم النبی و
جميع الأنبياء و الأوصياء الذين من قبلهم)، ج ۲، ص ۱۹۴ با ترجمه مرحوم آية
الله محمد باقر کمره‌ای.

فصل دوم

امام مهدی علیه السلام وارث اسم اعظم

وجود مبارک امام عصر علیه السلام که آخرین وصی الهی و ذخیره تام و کامل انبیای سلف و خصوصاً جد بزرگوارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اوصیای قبل از خود، یازده امام (علیهم السلام) است، اسم اعظم را به ودیعت گرفته و وارث اسم اعظم است. در این زمینه احادیثی وارد شده است که ما در این بخش به چند حدیث اشاره می‌کنیم.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

عیسی بن مریم دو حرف از اسم اعظم را داشت و با آن دو حرف کار می‌کرد و موسی بن عمران چهار حرف داشت و ابراهیم دارای هشت حرف بود و به نوح ۱۵ حرف و به آدم بیست و پنج حرف و خداوند آنها را برای محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش جمع کرد و اسم اعظم هفتاد و سه حرف است که خداوند به حضرت محمد صلی الله علیه و آله هفتاد و دو حرف داده است.^۱

این حدیث روشن می‌نماید که اسم اعظم الهی هم جزء مواردی است که به سلف علیهم السلام است و این اسم اعظم در حال حاضر نزد این بزرگوار است تا هم در حال حاضر و هم در هنگام ظهور و قیامش مورد استفاده قرار دهد.

در حدیث دیگری امام باقر علیه السلام فرموده‌اند:

انَّ اسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمَ عَلَى ثَلَاثَةِ وَسَبْعِينَ حَرْفًا وَ إِنَّمَا كَانَ عِنْدَ أَصْفَ مِنْهَا حَرْفٌ وَاحِدٌ، فَتَكَلَّمَ بِهِ فَخَسَفَ بِالْأَرْضِ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ سَرِيرِ بَلْقِيسَ حَتَّى تَنَاولَ السَّرِيرُ بِيَدِهِ ثُمَّ عَادَتْ الْأَرْضُ كَمَا كَانَتْ أَسْرَعَ مِنْ طَرْفِ الْعَيْنِ وَ نَحْنُ

عندنا مِنْ الْأَسْمِ الْأَعْظَمِ اثْنَانِ وَ سَبْعُونَ حَرْفًا وَ حَرْفٌ وَاحِدٌ عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَى اسْتِثْنَاءُ ثَرِيهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.^۱

اسم اعظم خدا، هفتاد و سه حرف است و تنها یک حرف آن نزد آصف بود و آصف آن یک حرف را گفت و زمین میان او و تخت بلقیس شکافته شد تا او تخت را به دست گرفت، سپس زمین به حالت اول بازگشت و این عمل در کمتر از چشم برهم زدن انجام شد و ما هفتاد و دو حرف از اسم اعظم را داریم و یک حرف هم نزد خداست که آن را در علم غیب برای خود مخصوص ساخته است و لا حول و لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

پس در این فصل با استفاده از روایت روشن ساختیم که یکی از مواردی که در نزد امام مهدی علیه السلام است اسم اعظم است که از حضرت آدم علیه السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله و از ایشان تا امام یازدهم و از ایشان هم به وجود نازنین حضرت حجة ابن الحسن العسکری علیه السلام رسیده است.

۱. اصول کافی - جلد ۱ کتاب الحجه - باب ما أعطی الائمه مِنْ اسم الله الأعظم - حدیث ۱ - ص ۳۲۴.

بحار الانوار - جلد ۲۷ - ص ۲۵ - به نقل از بصائر الدرجات

فصل سوم

امام مهدی علیه السلام وارث
صحف انبیا علیهم السلام

یکی دیگر از موارد سلف که در نزد امام عصر علیه السلام است، صحف انبیا علیهم السلام است و صحف به معنای قطعه‌ای پوست است که بر روی آن نوشته‌ای باشد و این معنای لغوی صحف است؛ ولی در اصطلاح صحف، یعنی کتابهای که به انبیای پیشین نازل شده است.

در قرآن به کتابهای آسمانی صحف اطلاق شده است و یکی از نامهای قرآن صحف است؛ مبین این مطلب آیه ۲ سوره بینه است که می‌فرماید: رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً.

[پیامبری از جانب خدا کتابهای پاک می‌خواند.]

اما صحفی که بر انبیا علیهم السلام نازل شده است عبارتند از:

۱- صحفی که بر حضرت آدم علیه السلام نازل شده مشتمل بر ۱۰ صحیفه بوده است.

۲- صحف حضرت ابراهیم علیه السلام که مشتمل بر ۱۰ صحیفه بوده است و در قرآن سوره اعلیٰ، آیات ۱۸ و ۱۹ می‌فرماید: إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى - صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى. ابوذر روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

حق تعالی ۲۰ صحیفه بر ابراهیم فرستاد که همه حکمتها و مثلهاست.

ابوذر گفت: آیا در قرآن چیزی از صحف ابراهیم هست؟ پیامبر فرمود: ای ابوذر بخوان این آیات را: إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى - صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى.^۱

۳- صحف حضرت ادریس علیه السلام، که مشتمل بر ۳۰ صحیفه بوده

۱. حیوة القلوب مجلسی، ج ۱، ص ۱۳۲.

است: نام این پیامبر دو بار در قرآن ذکر شده است. یک بار در سوره مریم، آیه ۶۰: وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اَدْرِيسَ اِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا.

[او در این کتاب ادریس را یاد کن که او نیز بسیار راستگو و پیامبر بود.]

و همچنین سوره انبیا آیه ۸۵: و اِسْمَاعِيلَ و اَدْرِيسَ و ذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ.

[و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل همه از صابران بودند.]

۴- زبور حضرت داود علیه السلام: داود (یعنی محبوب) از پیامبران بنی اسرائیل است که نام شریفش شانزده بار در قرآن مجید در سوره های (بقره ۲۵۱ - نساء ۱۶۳ - مائده ۷۸ - انعام ۸۴ - اسراء ۵۵ - انبیا ۷۸ و ۷۹ نمل ۱۵ و ۱۶ - سبأ ۱۰ و ۱۳ - ص ۱۷، ۲۲، ۲۴، ۲۶ و ۳۰) ذکر شده است.

یهودیان او را صاحب کتاب نمی شناسند و تنها سرودهای منتسب به او را مزامیر نامیده اند، ولی قرآن در سوره انبیا آیه ۱۰۵ کتاب داود علیه السلام را اینگونه معرفی می نماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ الْاَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحِينَ.

[و به تحقیق بعد از تورات در زبور نوشتیم که بندگان صالح از وارثان زمین خواهند شد.]

و همچنین خداوند سبحان در سوره نساء آیه ۱۶۳ و در سوره اسراء آیه ۵۵ می فرماید:

... وَاَتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا.

در اثبات این مطلب که صحف ابراهیم و موسی همان الواح

است و به دست مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است، روایتی را از کتاب شریف اصول کافی نقل می‌نمایم:

ابو بصیر می‌گوید امام صادق علیه السلام به من فرمود:

يا أبا محمد انَّ اللهَ (عَزَّ وَ جَلَّ) لَمْ يَعْطِ الْأَنْبِيَاءَ شَيْئاً إِلَّا وَ قَدْ أُعْطِيَ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله وَ قَدْ أُعْطِيَ الْأَنْبِيَاءَ وَ عِنْدَنَا الصَّحَفُ الَّتِي قَالَ اللهُ (عَزَّ وَ جَلَّ) فِي صَحْفِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَى. قُلْتُ جَعَلْتَ فِدَاكَ هِيَ الْأَوَاحُ؟ قَالَ: نَعَمْ.^۱

ای ابا محمد، خدای عز و جل چیزی به پیغمبران عطا نفرموده جز آنکه آن را به محمد صلی الله علیه و آله عطا فرموده و همه آنچه را که به پیغمبران داد به محمد صلی الله علیه و آله نیز عطا فرمود؛ و آن صحفی که خدای عز و جل (صحف ابراهیم و موسی) فرماید، نزد ماست. عرض کردم: آن صحف همان الواحست؟ فرمود، بلی

و همچنین در روایتی دیگر درباره زبور حضرت داود علیه السلام و اینکه این کتاب نیز جزء مواریثی است که به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سپس به ائمه و در نهایت به دست مبارک امام عصر علیه السلام رسیده است؛ را نقل می‌کنیم.

ابن سنان از امام صادق علیه السلام راجع به قول خدای عز و جل، وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ پرسید که زبور چیست و ذکر کدامست؟ فرمود:

الذِّكْرُ عِنْدَ اللهِ وَ الزَّبُورُ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى دَاوُدَ وَ كُلُّ كِتَابٍ

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجّه، باب ان الاثمه ورثوا علم النبی و جمیع الانبیاء و الأوصیاء)، ح ۵، ص ۳۲۷.

نزل فهو عند اهل العلم و نحن هم.^۱
 ذکر نزد خداست و زیور آنست که بر داود نازل شد و هر
 کتابی که نازل گشته است نزد اهل علم است، و ما اهل
 علم هستیم.

۵- تورات

تورات نام کتاب حضرت موسی علیه السلام است که به صورت
 الواح به حضرت موسی علیه السلام نازل گردیده است و در قرآن
 هیجده بار از تورات نام برده شده است، در سوره‌های
 (آل عمران آیات ۳، ۴۸، ۵۰، ۶۵، ۹۳؛ مائده آیات
 ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۶۸، ۱۱۰؛ اعراف آیه ۱۵۷؛ توبه آیه ۱۱۱؛
 صف آیه ۶؛ فتح آیه ۲۹؛ جمعه آیه ۵).

البته تورات در اصطلاح قرآن همان تورات اصل و تحریف
 نشده است و این توراتی که در نزد یهودیان موحود است،
 دستخوش تحریفات گسترده‌ای شده است و توحید و مقام انبیا
 پس از موسی به شکل زننده‌ای معرفی شده است.

لذا توراتی که به عنوان یکی از موارث انبیا علیهم السلام
 نزد حضرت مهدی علیه السلام است همان الواح نازل شده بر حضرت
 موسی علیه السلام است و آن حضرت با آن تورات اصلی در زمان
 ظهورش با یهودیان عصر ظهور استدلال می‌نماید.

۶- انجیل

انجیل که در لغت به معنای بشارت است و در قرآن تعداد

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجّه، باب ان الاثمه ورثوا علم الثبی و
 جمیع الانبیاء و الأوصیاء)، ج ۶، ص ۳۲۷.

۱۲ بار در سوره های (آل عمران آیات ۲، ۴۸، ۶۵ - مائده آیات ۴۶، ۴۷، ۶۶، ۶۸، ۱۱۰ - اعراف ۱۵۷، فتح ۲۹ - حدید ۲۷ و سوره توبه ۱۱۱) نام انجیل ذکر شده است؛ آن، کتاب حضرت عیسی علیه السلام است البته منظور همان انجیل حقیقی و اصل است که قرآن آن را تأیید نموده است.

در روایت از امام صادق علیه السلام آمده که تأیید می نماید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان آخرین سفیر الهی، وارث جمیع کتب انبیا علیهم السلام بوده و تمامی آنچه به عنوان میراث نبوت نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود داشته، به ترتیب به ائمه علیهم السلام رسیده است، در نهایت این موارد از جمله کتب انبیای پیشین تماماً به دست مبارک امام مهدی علیه السلام رسیده است.

مفضل بن عمر از شاگردان امام صادق علیه السلام نقل می کند:
 اَنَّ سَلِیْمَانَ وَرَثَ دَاوُدَ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا وَرَثَ سَلِیْمَانَ وَ اَنَا
 وَرَثَنَا مُحَمَّدًا وَ اَنَّ عِنْدَنَا عِلْمَ التَّوْرَةِ وَ الْاِنْجِیْلِ وَ الزَّبُورِ
 وَ تَبِیَانِ مَا فِی الْاَلْوَاحِ.^۱

همانا - سلیمان از داود علیه السلام ارث برد و محمد از سلیمان
 ارث برد و ما از محمد ارث بردیم. علم تورات و انجیل
 و همه آنچه در آن الواح بود نزد ماست.

۷- قرآن

قرآن کریم که آخرین و کاملترین کتاب آسمانی است، یک
 بار به صورت دفعی و بار دیگر در مدت ۲۳ سال رسالت، به
 تدریج بر وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد، این کتاب

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجّه، باب ان الائمة ورثوا علم النبی و جمیع الانبیاء و الاوصیاء)، ح ۳، ص ۳۲۶.

ارزشمندترین و بالاترین میراث است، که وجود مبارک امام مهدی علیه السلام جامعه زمانش را بر اساس این کتاب می‌سازد و تمام احکام و قوانین این کتاب الهی به‌طور کامل به مرحله اجرا درمی‌آید.

این کتاب است که جامعه نمونه آخرالزمان بر مبنای آن ساخته می‌شود و انسانهای آخرالزمان در جامعه مهدوی شهد شیرین عدالتش را می‌چشند و تمام زوایای این کتاب الهی به منصفه ظهور می‌رسد؛ و هیچ سوره و آیه از این کتاب الهی معطل و زمین نمی‌ماند بلکه به حقیقت و روشنی کامل پیاده می‌گردد.

ما چون در این کتاب بنا داریم در بخش مصحف امام علی علیه السلام که همان قرآن همراه با تفسیر و شأن نزول آیات است و تنظیم شده توسط امیرالمؤمنین علیه السلام است را توضیح دهیم، لذا در اینجا فقط به یک روایت اشاره نماییم. امام باقر علیه السلام فرمود:

ما یستطیعُ أَحَدٌ أَنْ یدعی أَنَّ عنده جمیع القرآن کلّه
ظاهره و باطنه غیر الأوصیاء.^۱

جز اوصیای پیغمبر کسی نمی‌تواند ادعا کند که ظاهر و باطن تمام قرآن نزد اوست.

۱. اصول کافی، ج ۱ (الحجه، باب لم یجمع القرآن کله الا الائمه علیهم السلام)، ج ۲، ص ۳۳۲.

فصل چہارم

امام مہدی علیہ السلام وارث
ودایع انبیا علیہم السلام

وجود مبارک امام عصر علیه السلام علاوه بر انبیای الهی و علم انبیا و اسم اعظم، ودایع و آثار انبیای الهی را نیز به ارث برده است؛ روایات وارده در این زمینه گواه این مطلب است و در تواریخ و قصص نیز به آنها اشاره شده که تعدادی از آنها عبارتند از:

۱- عصای موسی علیه السلام

— امام باقر علیه السلام فرمود:

كانت عصا موسى لآدم عليه السلام فصارت الى شعيب ثم صارت الى موسى بن عمران و انّها لعندنا و انّ عهدى بها أنفأ و هى خضراء كهيئتها حين انتزعت من شجرتها و انّها لتتّطّق اذا استنّطعت اعدت لقائنا عليه السلام يصنع بها ما كان يصنع موسى و انها لتروع و تلقف ما يافكون و تصنع ما تؤوم به، انها حيث اقبلت تلقف ما يافكون، يفتح لها شعبان، احديهما فى الارض و الاخرى فى السقف و بينهما اربعون ذراعاً تلقف ما يافكون بلسانها.^۱

عصای موسی از آن آدم علیه السلام بود که به شعیب رسید و سپس به موسی بن عمران رسید، آن عصا نزد ماست و اندکی پیش نردم بود مانند وقتی که از درختش باز شده سبز است و چون از او سؤال شود جواب گوید و برای قائم ما (حضرت مهدی علیه السلام) آماده گشته است، او

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجة، باب ما عند الائمة من آیات الانبياء عليهم السلام)، ج ۱، ص ۳۳۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ح ۱۹، ص ۳۱۸. و این حدیث در کتاب کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق با سند دیگر آمده است.

(حضرت مهدی) با آن، همان کار که موسی می‌کرد انجام دهد، آن عصا هراس‌آور است و ساخته‌های نیرنگی جادوگران را می‌بلعد و به هر چه مأمور شود انجام دهد؛ چون حمله کند هرچه به نیرنگ ساخته‌اند می‌بلعد و برایش دو شعبه باز شود که یکی در زمین و دیگری در سقف باشد و میان آنها (میان دو فکش) چهل زراع باشد و نیرنگ ساخته‌ها را با زبانش می‌بلعد چنانچه در زمان حضرت موسی علیه السلام سحر ساحران را بلعید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

الواح موسی علیه السلام عندنا و عصا موسی عندنا و نحن ورثة النبیین.^۱

الواح موسی علیه السلام (تورات) و عصای او نزد ماست و ما وارث پیامبرانیم.

پیداست وقتی که عصای حضرت موسی علیه السلام و تورات دست به دست به حضرت صادق علیه السلام رسیده پس بعد از ایشان هم دست به دست به سایر ائمه رسیده تا الآن که به دست مبارک امام مهدی علیه السلام - که خداوند ظهورش را نزدیک گرداند - رسیده است.

عصای حضرت موسی چندین معجزه داشته که قرآن به آنها اشاره کرده است:

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجه، باب ما عندالائمه من آیات الانبیاء علیهم السلام)، ح ۲، ص ۳۳۵.

۱- مار شدن عصا هنگام مبعوث شدن حضرت موسی علیه السلام

به پیامبری - در سوره قصص آیه ۳۰ می فرماید:

وَ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَى أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ.

۲- ازدها شدن عصا نزد فرعون - در سوره شعراء آیه ۳۲

می فرماید: فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ.

۳- بلعیدن سحر ساحران توسط عصا - در سوره شعراء آیه

۴۴ و ۴۵ می فرماید: فَأَلْقَى مُوسَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ - فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ.

۴- زدن عصا به دریا و باز شدن راه برای نجات قوم بنی

اسرائیل - در سوره شعراء آیه ۶۳ می فرماید: فَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ إِضْرِبْ بَعْصَاكَ الْبَحْرَ فَانْفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ.

۵- زدن عصا به سنگ و بیرون آمدن دوازده چشمه آب

برای اسباط بنی اسرائیل - در سوره بقره آیه ۶۰ می فرماید: وَإِذَا شَتَقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ...

این عصا، ابتدای امر عصای حضرت آدم علیه السلام بوده و سپس

به حضرت شعیب علیه السلام رسیده و آنگاه که موسی علیه السلام متواری

بوده و در راه دختران شعیب علیه السلام در آب کشیدن از چاه کمک

نمود، سپس به خدمت شعیب علیه السلام درآمد آن عصا به او رسید،

در تواریخ انبیا برای این عصا حوادث و وقایعی نقل نموده اند.

۲- حَجَر (سنگ) حضرت موسی (علیه السلام)

- امام باقر (علیه السلام) فرمود:

انَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ بِمَكَّةَ وَارَادَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكُوفَةِ نَادَى مُنَادِيَهُ، إِلَّا لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ مِنْكُمْ طَعَاماً وَلَا شَرَاباً وَ يَحْمِلُ حَجَرَ بْنِ عِمْرَانَ وَ هُوَ وَقَرُّ بَعِيرٍ فَلَا يَنْزِلُ مَنْزَلاً إِلَّا أَنْبَعَثَ عَيْنٌ مِنْهُ، فَمَنْ كَانَ جَائِعاً شَبِعَ وَ مَنْ كَانَ طَامِئاً رَوَى فَهُوَ زَادَهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجْفَ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ.^۱

چون حضرت قائم در مکه قیام کند و خواهد که متوجه کوفه شود منادیش فریاد کشد که کسی خوردنی و آشامیدنی همراه خود بر ندارد و سنگ حضرت موسی (علیه السلام) که به وزن یک بار شتر است با آن حضرت است در هر منزلی که فرود آیند چشمه آبی از آن سنگ بجوشد که گرسنه را سیر و تشنه را سیراب کند و همان سنگ توشه آنهاست تا هنگامیکه در نجف به پشت کوفه فرود آیند.

قرآن در خصوص این حجر در سوره اعراف آیه ۱۶۰ می فرماید: أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذَا اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ يَسْعَاكُمُ الْحَجَرُ فَأَنْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا. [به موسی وحی فرستادیم که عصای خود را بر سنگ بزن تا گهان دوازده چشمه از آن بیرون جهید.]

امام باقر (علیه السلام) درباره این آیه شریفه (و أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ...) می فرماید:

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجة، باب ما عند الائمة من آیات الانبياء عليهم السلام)، ج ۳، ص ۳۲۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۴؛ حیوة القلوب؛ علامه مجلسی، ج ۱ (قصه حضرت موسی) (علیه السلام) ص ۲۴۸.

به درستی که ظهور و قیام قائم علیه السلام در مکه خواهد بود و بعد از آن به سوی کوفه حرکت می‌کند و منادی ندا می‌دهد ای یاران امام زمان کسی از شما با خود غذا و آبی حمل نکند حضرت مهدی علیه السلام حَجَرِ موسی بن عمران را با خود دارد، در هر منزلی که وارد می‌شوند از آن سنگ آبی روان خواهد شد و هر کس گرسنه و تشنه باشد از آن می‌خورد همه سیر و سیراب خواهند شد و این حالت در تمام منزلگاه‌های بین راه ادامه دارد تا از پشت کوفه وارد نجف شوند.^۱

چند نکته در خصوص حجر موسی علیه السلام لازم است گفته شود:

الف - الف و لام حَجَر در این آیه (بِعَصَاكَ الْحَجَر) الف و لام معرفه است، یعنی این سنگ خاص و نه هر سنگی، به عنوان یکی از ودایع نبوت به دست امام عصر علیه السلام رسیده است و در هنگام ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام این سنگ به عنوان توشه بین راه یاران آن حضرت مورد استفاده قرار می‌گیرد و احادیث مربوط مبین این موضوع است.

ب - در زمان موسی علیه السلام چون قوم بنی‌اسرائیل ۱۲ سبط بودند (اسباط دوازده گانه ۱- بنی روبیل ۲- بنی شمعون ۳- بنی جاد ۴- بنی یهودا ۵- بنی یساکار ۶- بنی زبولون ۷- بنی یوسف ۸- بنی بنیامین ۹- بنی اشیر ۱۰- بنی دان ۱۱- بنی نفتالی ۱۲- بنی لاوی)، چون این ۱۲ سبط با هم اختلاف داشتند، لذا ۱۲ چشمه از آن سنگ بیرون آمد تا هر گروهی چشمه آبی برای

۱. تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۶ ص ۶

خود داشته باشند اما در هنگام ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلام چون اختلاف و تفرقه‌های بین یاران امام مهدی علیه السلام نیست، لذا از آن سنگ فقط یک چشمه آب بیرون آمد و این توضیح قسمت دیگر آیه است که فرمود: فَأَنْفَجَرْتُ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا. (ج) در خصوص سنگ حضرت موسی علیه السلام در قرآن ۲ بار از آن یاد شده است: ۱- سوره بقره آیه ۶۰ که متن کل آیه عبارت است از: وَ إِذَا اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَ اشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَ لَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.

و در سوره اعراف آیه ۱۶۰ می‌فرماید: وَ قَطَّعْنَاهُمْ اثْنَتَى عَشْرَةَ اسْبَاطًا أُمَمًا وَ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذْ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَّ وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّٰ وَ السَّلْوَىٰ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ.

و این حجر حضرت موسی علیه السلام به عنوان یکی از ودایع نبوت دست به دست به وسیله اوصیای بعد از موسی علیه السلام به دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده و بعد از ایشان هم به دست امام الوسی، علی، علیه السلام تا حال حاضر که نزد خاتم‌الاولصیا مولانا المهدی علیه السلام است.

۳- تابوت الشهاده (تابوت سکینه)

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِنَّمَا مِثْلُ السِّلَاحِ فِينَا مِثْلُ التَّابُوتِ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ كَانَتْ

بنو اسرائیل ای اهل بیت وجد التابوت علی بابهم
 او توالنبوه فَمَنْ صار الیه السلاح منا اوتی الامامه.^۱
 داستان سلاح در خاندان ما، داستان تابوت است در
 بنی اسرائیل، تابوت در هر خاندانی از بنی اسرائیل که
 پیدا می‌گشت، نبوت به آنها داده می‌شد، هرکس از ما هم
 که سلاح به دستش رسد امامت به او داده می‌شود.
 نام تابوت سکینه یک بار در سوره بقره، آیه ۲۴۸ ذکر شده
 است که می‌فرماید:

و قَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ
 التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ
 مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ
 مُّؤْمِنِينَ.

و پیامبرشان گفت: دلیل و نشانه بر پادشاهی او این
 است که تابوتی به سوی شما می‌آید که در آن سکینه و
 آرامشی از ناحیه پروردگارتان وجود دارد و آنچه را که
 آل موسی و آل هارون باقی گذاشته‌اند و آن تابوت
 به وسیله فرشتگان حمل می‌شود، به راستی در آن معجزه
 و دلیل برای شماست چنان‌که مؤمن باشید.

تابوت سکینه با نام‌های صندوق عهد، تابوت یهودیان،
 تابوت مقدس، صندوق تورات، تابوت الشهاده (که این نام در
 دعای سمات وارد گشته که می‌فرماید: وَ رَسُوْلَكَ مُوسَىٰ بَن
 عِمْرَانَ عليه السلام فِي الْمُقَدَّسِينَ فَوْقَ اِخْسَاسِ الْكَرْبِيِّنَ فَوْقَ غَمَائِمِ

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجج، باب ان مثل السلاح للنبي مثل التابوت
 فی بنی اسرائیل)، ح ۱ و ۴، ص ۳۴۳.

النور فوق تابوت الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ وَ فِي طُورِ سَيْنَاءَ وَ فِي جَبَلِ حُورِيَّتٍ وَ... و تابوت بنی اسرائیل نیز ذکر شده است و طبق نوشته‌ها صندوقی بوده است که محتوای الواح سنگی احکام عشره (تورات) در آن قرار داشته است و هر وقت قوم بنی اسرائیل حرکت می‌کرد، این صندوق را با حرمت فراوان در ارابه‌ای نهاده و پیشاپیش خود روان می‌داشتند و در جنگ نیز آن را در پیشاپیش صفوف قرار می‌دادند تا باعث ثبات قدم و آرامش لشکریان گردد؛ این صندوق به فرمان حضرت موسی علیه السلام ساخته شده بود و علاوه بر آن الواح (۲ لوح سنگی)، کاسه‌ای از مَن (همان غذای آسمانی که در سوره اعراف، آیه ۱۶۰ نامش ذکر شده: وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَى كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ... نیز در آن قرار داده بودند.

تا اینکه فلسطینی‌ها به یهودیان تاختند و بر آنها مسلط شدند و صندوق عهد را از ایشان گرفتند. بعد از آن حضرت داود علیه السلام جالوت، پادشاه فلسطینی‌ها را کشت و صندوق را به یهودیان بازگرداند.

تا زمان حضرت سلیمان علیه السلام این صندوق در معبد قُبَّة الرُّمَّان (که قُبَّة الرُّمَّان نیز در دعای سمات ذکر شده: وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ علیه السلام عَلَى قُبَّة الرُّمَّانِ وَ...) قرار داشت.

مطالب دیگری در خصوص تابوت سکینه وارد شده است؛ مثلاً در کتاب قرب الاسناد حمیری (ص ۱۶۴ حدیثی از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که حضرت درباره تفسیر سکینه (فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ...) فرمود:

این سکینه رایحه‌ای است، بهشتی که به شکل صورت انسانی از صندوق خارج می‌شد و آن صندوق هم اینک نزد ماست.

و همین معنا نیز از حضرت رضا علیه السلام وارد شده است. این تابوت الشهاده نیز اکنون نزد امام مهدی علیه السلام است، در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: صندوق مقدس از دریاچه طبریه به دست وی (امام مهدی علیه السلام) آشکار می‌شود و آن را آورده و در پیشگاه مقدس او در بیت المقدس قرار می‌دهند و چون یهودیان آن را مشاهده می‌نمایند به جز اندکی، بقیه آنان ایمان می‌آورند.^۱

۴- پیراهن حضرت یوسف علیه السلام

مفضل بن عمر گوید، امام صادق علیه السلام به من فرمود: می‌دانی پیراهن یوسف علیه السلام چه بود؟ عرض کردم، نه. فرمود: ان ابراهیم علیه السلام لما او قذت له النار اتاه جبریل علیه السلام بثوب من ثياب الجنة فالسبه اياه، فلم يضره معه حرٌّ و لا بردٌ فلما حضر ابراهیم الموت جعله فی تمیمه و علّقه علی اسحاق و علّقه اسحاق علی یعقوب فلما ولد یوسف علیه السلام علّقه علیه فکان فی عضده حتی کان من امره ما کان فلما اخرجہ یوسف بمصر من التمیمه وجد یعقوب ریحہ و هو یقول: انی لأجد ریحَ یوسف لَوْ لا أَنْ تُفَنِّدُون. فهو ذلک القمیص الذی انزلهُ الله من الجنة،

۱. الملاحم و الفتن، ص ۵۷؛ منتخب الاثر (آیه الله صافی گلپایگانی)، ص ۳۰۹.

قلت: جعلت فداک، فالی مَنْ صار ذلک القمیص؟ قال:
الی اهله، ثم قال: کل نبی ورث علماً او غیره فقد اُتتهی
الی آل محمد (ص).^۱

چون برای ابراهیم (ع) آتش افروختند، جبریل (ع) جامه‌ای از جامه‌های بهشت برایش آورد، او پوشید و با آن جامه گرما و سرما به ابراهیم زیانی نمی‌رسانید. چون مرگ ابراهیم رسید، آن را در غلافی نهاد و به اسحاق آویخت و اسحاق آن را به یعقوب آویخت و چون یوسف (ع) متولد شد آن را به او آویخت و در بازوی او بود تا امرش به آنجا رسید (زمام حکومت مصر را به دست گرفت)؛ چون یوسف آن را در مصر از غلاف بیرون آورد، یعقوب بوی خوش آن را دریافت و همین است که گفت: اگر نادانم نمی‌خوانید من بوی یوسف را احساس می‌کنم. (سوره یوسف - آیه ۹۴) و آن همان پیراهنی بود که خدا از بهشت فرستاده بود. عرض کردم: قربانت گردم، آن پیراهن به چه کسی رسید؟ فرمود:

به اهلش رسید و هنگامی که قائم ما (امام مهدی (عج)) ظهور کند، با او خواهد بود، سپس فرمود: هر پیغمبری که دانش یا چیز دیگری را به ارث گذاشته به آل محمد (ص) رسیده است.

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجه، باب ما عندالائمة من آیات الانبیاء علیهم السلام ح ۵)، ص ۳۳۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲ (باب سیره و اخلاقه و خصائص زمانه، ح ۵) ص ۳۲۷؛ حیوه القلوب، ج ۱، ص ۱۸۴.

همان طور که در این حدیث طولانی آمده است، امام صادق علیه السلام حقیقت این پیراهن را بیان فرموده که از کجا آمده و در نهایت به دست اهل بیت علیهم السلام رسیده است. و این پیراهن از جمله مواریث انبیا علیهم السلام به شمار می آید. همین یک حدیث در توضیح پیراهن حضرت یوسف علیه السلام ما را کفایت می کند، و این پیراهن هم اکنون نزد حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام است.

۵- طشت حضرت موسی علیه السلام، انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام شمشیر، پرچم و زره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

تعدادی دیگر از مواریث انبیا علیهم السلام نیز وجود دارند که آنها هم هر کدام بنابر حکمت و مصلحتی، نزد امام مهدی علیه السلام موجود می باشند؛ برای روشن شدن مطلب به ذکر یک حدیث مفصل اکتفا می کنیم. البته آنچه در کتب تاریخ انبیا و غیره ذکر شده است، به سندیت و اعتبار این حدیث نمی رسند و آنها نیز برای اعتبار بخشیدن به تواریخ آن به این احادیث استناد می نمایند.

متن بخشی از حدیثی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، به شرح ذیل است:

... و ان عندي لسيف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و أن عندي لراية رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و درعه و لامته و معضره و ان عندي لراية رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم المظبه و ان عندي الواح موسى و عصاه و ان عندي لخاتم سليمان بن داود و ان عندي الطشت الذي كان موسى يقرب به القربان و ان عندي

الاسم الذى كان رسول الله صلى الله عليه وآله اذا و صغه بين المسلمين و المشركين لم يصل من المشركين الى المسلمين نشانه و ان عندى لمثل الذى جاءت به الملائكه و مثل السلاح فىنا كمثل التابوت فى بنى اسرائيل كانت بنو اسرائيل فى اى اهل بيت وجد التابوت على ابوابهم اوتوا النبوه و من صار اليه السلاح منا اوتى الامامه و لقد لبس ابى ذرغ رسول الله صلى الله عليه وآله فخطت على الارض خطيطا و لبيتها انا فكانت و كانت و قائمنا من اذا لبيتها ملاها ان شاء الله.^۱

همانا شمشير رسول خدا صلى الله عليه وآله، پرچم و جوشن وزره و خود پیامبر صلى الله عليه وآله، پرچم ظفر بخش پیامبر صلى الله عليه وآله، الواح موسى و عصای او، انگشتر سلمان بن داود، طشتی که موسی عليه السلام قربانی را در آن انجام داد، اسمی که نزد پیامبر صلى الله عليه وآله بود و چون آن را میان مسلمانان و کفار می گذاشت که از مشرکین به مسلمین نشانه‌ای نرسد و من آن را می دانم و هر آنچه را که فرشتگان آورده اند نزد من است، داستان سلاح در خاندان ما همان داستان تابوت است در بنی اسرائیل، و بر در هر خانه‌ای که تابوت پیدا می شد، نشانه‌ای نرسد و من آن را می دانم و هر آنچه را که فرشتگان آورده اند نزد من است، داستان سلاح در خاندان ما همان داستان تابوت است در بنی

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجه، باب: عند الائمة من سلاح رسول الله صلى الله عليه وآله و متاعه حدیث ۱ ص ۳۳۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲ (باب سیره و اخلاقه و خصائص زمانه ح ۱۲۹)، ص ۳۶۰.

اسرائیل، و بر در هر خانه‌ای که تابوت پیدا می‌شد، نشانه اعطای نبوت بود و سلاح به هرکس از خانواده ما رسد امامت به او داده می‌شود. همانا پدرم، امام باقر علیه السلام، زره رسول خدا صلی الله علیه و آله را پوشید، دامنش اندکی به زمین می‌کشید و من آن را پوشیدم همچنان بود؛ قائم ما، امام مهدی علیه السلام، کسی است که چون آن را پوشد به اندازه قامتش باشد ان شاء الله

این حدیث به طور صریح بخشی از ودایع نبوت و موارث انبیای الهی علیهم السلام را ذکر کرده است و تصریح نموده که همه آنها به دست ائمه رسیده و در نهایت نیز به خدمت امام عصر، حضرت مهدی علیه السلام می‌رسد.

در حدیث دیگر که مرحوم مجلسی آن را در بحار الانوار از امام محمد باقر علیه السلام نقل نموده و این حدیث در کتاب الغیبه نعمانی نیز ذکر شده، روایت می‌کند.

در الغیبه نعمانی از عبدالله بن سنان روایت نموده که امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

أبى الله إلا أن يخلف وقت الموقتين و هى رايه رسول الله صلی الله علیه و آله نزل بها جبرئیل يوم بدر سیر به. ثم قال: یا أبا محمد، ما هی والله من قُطن و لا کتّانٍ و لا حریر. فقلتُ: مِنْ اِیِّ شَیْءٍ هِی؟ قال: من ورق الجنة، نشرها رسول الله صلی الله علیه و آله يوم بدر ثُمَّ لَفَّهَا وَ دَفَعَهَا اِلیَّ عَلِیٍّ علیه السلام فَلَمْ تَزَلْ عِنْدَ عَلِیٍّ علیه السلام حَتّٰی کَانَ یَوْمُ البَصْرَةِ فَنَشَرَهَا امیر المؤمنین علیه السلام فَفَتَحَ اللهُ عَلَیْهِ ثُمَّ لَفَّهَا - هِیْ عِنْدَنَا هُنَاکَ لَا یَنْشُرُهَا احَدٌ حَتّٰی یَقُومَ الْقَائِمُ علیه السلام . فَلَمَّا قَامَ نَشَرَهَا فَلَمْ یَبْقَ فِی الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ احَدٌ اِلَّا لَعْنُهَا وَ یَسِيرُ الرُّعْبُ قُدَّامَهَا

شهرّاً و عن يَمِينِهَا شهرّاً و عن يسَارِهَا شهرّاً، ثمّ قال: يا أبا محمّد أنّه يخرج مُؤْتوراً غضباني أَسْفاً لِيُغْضِبَ اللهَ على هذا الخلق؛ عليه قميص رسول الله ﷺ الذي كان عليه يوم أحد و عمامه السحاب و درع رسول الله السابغه و سيف رسول الله ﷺ ذو الفقار يجرّد السيف على عاتقه ثمانيه اشهر يقتل هرجائه.^۱

خداوند بر خلاف وقتی که تعیین کنندگان وقت ظهور امام مهدی (عج) معین کرده اند، عمل می کند؛ پرچم قائم، همان پرچم رسول خداست که جبریل در روز جنگ بدر از آسمان آورد و آن را در میان جنگ به اهتزاز درآورد، آنگاه جبریل در روز جنگ بدر از آسمان آورد و آن را در میان جنگ به اهتزاز درآورد، آنگاه جبریل عرض کرد: ای محمد، به خدا قسم این پرچم، از پنبه و کتان و ابریشم و حریر نیست. پیامبر فرمود: پس از چیست؟ گفت: برگ درخت بهشت است. پیغمبر آن را در جنگ برافراشت، سپس پیچید و به دست علی (ع) داد و پیوسته نزد آن حضرت بود تا اینکه در روز جنگ بصره (جمل) حضرت آن را برافراشته نمود و خدا او را پیروز گردانید؛ آنگاه علی (ع) آن را پیچید و همیشه نزد ما بوده و هست و دیگر هیچکس آن را نمی گشاید تا اینکه قائم ما (عج) قیام کند. وقتی قائم قیام نمود، آن را به اهتزاز درمی آورد و هرکس در شرق و غرب عالم باشد آن را می بیند؛ رعب و ترس از وی یک ماه زودتر. از پیش روی و چپ و راست او رفته و در دلها جای می گیرد. آنگاه گفت: ای محمد او به خونخواهی پدرانش قیام می کند و سخت

۱. اصول کافی (۶ جلدی)، ج ۳ (کتاب مولد النبی ﷺ و وفاته)، ح ۱۸، ص ۲۷۴.

خشمگین است و از اینکه خداوند بر این خلق غضب نموده متأسف است. او پیراهن پیامبر صلی الله علیه و آله را که در جنگ احد پوشیده بود، به تن دارد و عمامه و زره پیغمبر را که به قامت وی، رسالت می پوشد و ذوالفقار، شمشیر پیغمبر را در دست دارد، سپس شمشیر برمی کشید و هشت ماه از کشته های بی دینان، پشته ها می سازد...

دو روایت مذکور دقیقاً روشن می نماید که تمامی مواردی انبیای الهی در نهایت به دست با کفایت جان جهان امام مهدی علیه السلام می رسد.

و حدیث ذیل اثبات می کند که تمامی ودایع و وصایای انبیای الهی علیهم السلام توسط حضرت ابوطالب علیه السلام به دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رسیده است.

درست بن ابی منصور گفت: از ابوالحسن اول (امام هفتم علیه السلام) پرسیدم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله مأمور پیروی از ابوطالب علیه السلام بود؟ و ابوطالب از طرف خدا بر او حجت بود؟

لا، وَلَكِنَّهُ كَانَ مُشْتَوِّعاً لِلْوَصَايَا فَدَفَعَهَا إِلَيْهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: قُلْتُ: فَدَفَعَ إِلَيْهِ الْوَصَايَا عَلَى أَنَّهُ مُحْجُوجٌ بِهِ؟ فَقَالَ: لَوْ كَانَ مُحْجُوجاً بِهِ مَا دَفَعَ إِلَيْهِ الْوَصِيَّةَ، فَقُلْتُ: فَمَا كَانَ حَالُ أَبِي طَالِبٍ؟ قَالَ: أَقْرَبُ النَّبِيِّ وَبِمَا جَاءَ بِهِ وَدَفَعَ إِلَيْهِ الْوَصَايَا وَمَاتَ مِنْ يَوْمِهِ.

نه، ولی ابوطالب نگهدار ودائع نبوت بود و وصایا نزد وی سپرده شده، و او آنها را به آن حضرت صلی الله علیه و آله داد. گفتم وصایا را به او داد به حساب اینکه حجت بر او (پیغمبر) بود؟ فرمود: اگر حجت بر او بود وصیت را به او نمی داد. گفتم:

۴۶ ■ امام مهدی علیه السلام و میراث سلف صالح

پس ابوطالب حالش چگونه بود؟ فرمود:
به پیغمبر و هر چه آورده بود اقرار کرد و وصایا را به او داد و
همان روز درگذشت

فصل پنجم

امام مهدی علیه السلام وارث ودایع امامت

وجود مبارک امام عصر علیه السلام علاوه بر اینکه وارث مواریث و ودایع نبوت است، وارث ائمه سلف خود نیز است، آنچه این حقیر در این بخش بررسی نموده‌ام شامل: ۱- کتاب جامعه علی علیه السلام ۲- مصحف علی علیه السلام است که در اینجا آنها را بررسی می‌نماییم.

۱- کتاب جامعه علی علیه السلام

در خصوص این کتاب احادیث فراوانی وارد شده است که ما هم سعی می‌کنیم بر اساس همین احادیث روشن نماییم که این کتاب شریف (که جامعه نام دارد) چه بوده است و چه مطالبی در آن کتاب وجود دارد و اکنون کجاست؟

از ابوبصیر (که جمله اصحاب امام باقر و امام صادق، علیهما السلام، بوده) روایتی نقل شده که متن آن را می‌آوریم:
- ابوبصیر گفته است: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و گفتم: فدایت شوم سؤالی دارم، آیا اینجا کسی هست که سخنان مرا بشنود؟ امام صادق علیه السلام پرده‌ای را که بین آن اتاق و اتاق مجاور آویخته شده بود کناری زد و در آنجا سرکشید و سپس به من فرمود: ای ابومحمد (کنیه ابوبصیر) هرچه می‌خواهی بپرس.

گفتم: فدایت شوم، شیعیان تو طی احادیثی مدعی هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بابتی از علم به روی علی علیه السلام گشوده که از آن هزار باب دیگر گشوده می‌شود. امام علیه السلام فرمود: ای ابومحمد، ما جامعه داریم و آنها چه می‌دانند که جامعه چیست؟ پرسیدم: فدای تو کردم جامعه چیست؟

امام علیه السلام فرمود:

صحیفه‌ای است به درازای هفتاد ذراع به ذراع رسول خدا صلی الله علیه و آله و املائی آن حضرت که همه مطالب آن یک به یک، از دلب مبارک ایشان بیرون آمد و علی علیه السلام آن را به خط خود نوشته است و در آن صحیفه از هر حلالی و حرامی و از هر آنچه که مردم به آن نیاز داشته و دارند، سخن رفته است؛ حتی دیه یک خراش سطحی بر پوست بدن.^۱

در حقیقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مجموعه احکام اسلام را بر امیرالمؤمنین علیه السلام املا فرموده و آن حضرت نیز آن را به صورت کتابی به نام جامعه گردآوری نموده است، و این مجموعه گرانقدر به ترتیب نزد ائمه علیهم السلام بوده و آن بزرگواران گاهی آن را بر مردم عرضه می‌داشتند.

حدیث دیگری را نیز در این خصوص نقل می‌نماییم. امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا نزد ما نوشتجاتی است که با وجود آنها نیازی به مردم نداریم ولی مردم به ما احتیاج دارند، نزد ما کتابیست به املائی پیامبر صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام که هر حلال و حرامی در آن است، شما راجع به کاری نزد ما می‌آیید سپس ما می‌فهمیم که شما به آن عمل می‌کنید یا آن را ترک می‌نمایید.^۲

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۹؛ بصائر الدرجات، ص ۱۵۱؛ توافی، ج ۲، ص ۱۳۵.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۹؛ بصائر الدرجات، ص ۱۵۱؛ توافی، ج ۲، ص ۱۳۵.

در منابع اهل سنت به این مطلب اشاره شده که علی علیه السلام همه روز صبح و شام، برای تعلیم گرفتن قرآن و آنچه نازل شده بود، به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسید؛ ابن ماجه از علی علیه السلام روایت کرده که ایشان فرمود:

من سحرگاهان هر روز به خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می‌رسیدم و از پشت در می‌گفتم: السلام عليك يا نبي الله، و اگر آن حضرت آهسته و آرام سرفه می‌کرد، به خانه باز می‌گشتم و گرنه داخل می‌شدم.^۱

در این ملاقات‌ها پیامبر به علی علیه السلام دستور نوشتن می‌داد، و می‌فرمود:

آنچه را به تو می‌گویم بنویس. و علی علیه السلام سؤال کرد: ای رسول خدا، از آن می‌ترسی که فراموش کنم؟ پیامبر فرمود: نه، از خدا خواسته‌ام حافظه‌ات را نیرو بخشد و تو را دچار فراموشی نگرداند، آن را برای شریکانت یعنی امامان بعد از خودت بنویس؛ [و با اشاره به امامت امام حسن علیه السلام فرمودند:] این نخستین آنان است و فرمود: امامان از فرزندان حسین علیه السلام هستند.^۲

ابو حمزه ثمالی می‌گوید: به حضرت علی بن الحسین علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، آنچه در نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود، به امیرالمؤمنین علیه السلام عنایت شد، بعد از امیرالمؤمنین علیه السلام به امام

۱. سنن ابن ماجه (باب استیذان)؛ کتاب الادب و مستند احمد، ج ۱، ص ۵۸ و ص ۱۰۷

۲. أمالی، شیخ صدوق، ج ۲، ص ۵۶؛ بصائر الدرجات، ص ۱۶۷؛ ینابیع المودة، ابراهیم بن الحنفی القندوزی، ص ۲۰.

حسن علیه السلام، سپس به امام حسین علیه السلام و بعد به هر امام تا روز قیامت؟ امام فرمودند:

صحیح است، و به اضافه پیشامدهایی که هر سال رخ می‌دهد و در هر ماه و آری، به خدا قسم در هر ساعت^۱ پس تا کنون روشن ساختیم که کتاب جامعه، تمام احکام حتی حکم خراش بر بدن را شامل می‌شود، و این کتاب به املاي پیامبر صلی الله علیه و آله و به خط علی علیه السلام، جمع‌آوری و تدوین شده است و مورد استفاده ائمه علیهم السلام بوده است، امامان بعد از امیرالمؤمنین، علی علیه السلام، جامعه را پس از سپری شدن امامت خویش، به امام پس از خود به ودیعت می‌سپردند؛ حال به چند حدیث در این زمینه اشاره می‌نماییم تا چگونگی انتقال این کتاب و سایر موارث از علی علیه السلام به سایر ائمه روشن شود.

ثقه الاسلام کلینی در کتاب اصول کافی از قول سلیم بن قیس هلالی (از جمله اصحاب علی علیه السلام که تا امام سجاد علیه السلام را درک نموده است) چنین آورده است:

من شاهد وصیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، به فرزندش، حسن علیه السلام بودم، آن حضرت پس از انجام وصیت، حسین علیه السلام و محمد حنیفه و همه پسرها و بزرگان شیعه و خانواده‌هایش را بر آن وصیت گواه گرفت و آنگاه کتاب و سلاح خود را به فرزندش، حسن علیه السلام تحویل داد و گفت: پسر من، رسول خدا به من امر فرموده که تو را وصی خود گردانم و کتابها و اسلحه‌ام را به تو تحویل

۱. بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۹۱، ح ۱۴؛ بصائر الدرجات، ص ۱۶؛ الاختصاص، شیخ مفید، ص ۳۱۴.

دهم، همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا وصی خود قرار داد و کتابها و اسلحه اش را به من سپرد و ونیز فرمان داده تا به تو دستور دهم که چون مرگت فرارسد، آنها را به برادرت، حسین تحویل دهی.

سپس امیرالمؤمنین علیه السلام روی به جانب حسین علیه السلام کرد و به او فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله تو را نیز فرمان داده که آنها را به این پسر خویش، علی بن الحسین، ۷ تحویل دهی. سپس دست علی بن الحسین علیه السلام را گرفت و فرمود: و رسول خدا تو را نیز فرمان داده تا آنها را به پسرت، محمد تحویل دهی و و از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله و من، به او سلام برسان.^۱

ملاحظه می گردد که تمامی مواردی که انبیا به وسیله پیامبر تحویل صلی الله علیه و آله علی علیه السلام می شود و به وسیله علی علیه السلام تمامی آن موارد و کتاب جامعه خودش، تحویل امام حسن علیه السلام و امام بعدی تا امام باقر علیه السلام می شود و این حدیث روشن می سازد که مواردی انبیای الهی - علیهم السلام - و امام علی به علیه السلام دست امام محمد باقر علیه السلام رسیده است.

در حدیث دیگری چگونگی انتقال مواردی که من جمله کتاب جامعه از امام حسین علیه السلام به امام سجاد علیه السلام روشن می شود؛ در کتاب کافی و بصائر الدرجات آمده است که حران بن اعین شیبانی می گوید: از ابو جعفر (امام محمد باقر علیه السلام) در مورد صحیفه مهر و موم شده ای که نزد ام سلمه به ودیعت نهاده شده بود و مردم درباره آن سخن می گفتند سؤال نمودم و امام باقر

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۹۷؛ وافی، ج ۲، ص ۷۹.

علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله را چون اجل فرارسید، علی علیه السلام علم و اسلحه آن حضرت و هرچه را نزد او بود به ارث برد، (این علوم و معارف و سلاح و کتاب جامعه و مصحف همچنان نزد امیرالمؤمنین علیه السلام بود) تا اینکه به امام حسن علیه السلام و پس از او به امام حسین علیه السلام رسید؛ در این موقع چون ما از غلبه دشمنان بیم داشتیم، این بود که آنها را (جدم حسین علیه السلام نزد ام سلمه به امانت سپرد و بعد از آن علی بن الحسین علیه السلام آنها را از ام سلمه ستاند. من (حمران بن اعین) گفتم: بسیار خوب، سپس به پدرت رسید و بعد از آن نزد تو بوده و به تو رسیده است؟ امام باقر علیه السلام فرمود: آری، همین طور است.^۱

و نیز شیخ طوسی به روایت از فضیل بن یسار چنین آورده است:

ابو جعفر علیه السلام به من فرمود:

در همان هنگام که حسین علیه السلام عازم حرکت به سوی عراق (کربلا) بود، وصیت نامه پیغمبر و کتابها و دیگر اشیا، (مواریث انبیا و امامت) را به امانت نزد ام سلمه گذاشت و به او فرمود: وقتی که پسر بزرگترم به تو مراجعه کرد، آنچه را که به تو به امانت سپرده‌ام به او تسلیم کن. پس از اینکه حسین علیه السلام به شهادت رسید، علی بن الحسین علیه السلام نزد ام سلمه رفت و آن بانو هم

۱. کافی ج ۱ ص ۲۳۵ - بصائر الدرجات ص ۱۷۷ و ص ۱۸۶ و ص ۱۸۸ - وافی ج ۲ ص ۱۳۲.

تمامی امانت‌هایی را که حسین علیه السلام به امانت نزدش نهاده بود به امام سجاد علیه السلام تحویل داد.^۱

همین داستان در بعضی دیگر از منابع حدیثی وارد گردیده است که برای جلوگیری از اطاله کلام از ذکر آنها خودداری می‌نماییم؛ فقط یک نکته قابل ذکر است و آن، اینکه حضرت امام حسین علیه السلام در کربلا یک وصیت‌نامه دیگری دارد که نزد دخترش فاطمه سپرده و او هم بعدها آن را به علی بن الحسین علیه السلام تحویل داد و آن غیر از این موارد بوده است. اکنون که سلسله مواریث انبیای الهی و امامت تا امام باقر علیه السلام روشن گشت، به نقل دو روایت دیگر که نحوه انتقال این مواریث از امام سجاد علیه السلام به امام باقر علیه السلام را روشن می‌سازد، اشاره می‌نماییم.

در حدیثی از عیسی بن عبدالله روایت شده که:

در بستر مرگ امام سجاد علیه السلام، آن حضرت به فرزندانش که پیرامون او گردآمده بودند نظری افکند و سپس چشم به فرزندش، محمد بن علی علیه السلام، (امام باقر علیه السلام) انداخت و به او فرمود: محمد، این صندوق را بگیر و به خانه خود ببر. سپس امام به سخن خود ادامه داده، فرمود:

در این صندوق به هیچ عنوان دینار و درهمی وجود ندارد، بلکه آکنده از علوم است.^۲

۱. الغیبة، شیخ طوسی، ص ۱۲۸؛ مناقب، ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۱۷۲؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ح ۳، ص ۱۸.

۲. کافی، ج ۱، ص ۳۰۵، ح ۲؛ اعلام الوی به اعلام الهدی، ص ۲۶۰؛ بصائر الدرجات، ص ۲۴؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۹؛ وافی، ج ۲، ص ۸۳.

عیسی بن عبدالله بن عمر در بصائر الدرجات و بحارالانوار از امام صادق علیه السلام روایت کرده است:

پیش از آنکه علی بن الحسین علیه السلام بدرود حیات گوید سبد یا صندوق را حاضر کرده و فرزندش فرمود: محمد، این صندوق را ببر؛ او نیز صندوق را توسط چهار نفر حمل نمود و برد.

چون امام سجاد علیه السلام درگذشت، عموهایم برای گرفتن سهم خود از محتویات آن صندوق به پدرم مراجعه کرده و گفتند: بهره ما را از آن صندوق بپرداز.

امام باقر علیه السلام در پاسخ آنها فرمود: به خدا قسم که شما را نصیبی از آن نیست، اگر شما را بهره‌ای در آن می‌بود، آن را (پدرم) به من تحویل نمی‌داد. در آن صندوق سلاح رسول خدا صلی الله علیه و آله و کتابهای او قرار داشت.^۱

پس از امام باقر علیه السلام تمامی موارث انبیا و امامت به امام صادق علیه السلام منتقل گردید؛ به حدیثی در این زمینه توجه فرمایید.

از زراره بن اعین شیبانی در بصائر الدرجات روایت شده که امام صادق علیه السلام فرمود: هنوز امام باقر علیه السلام حیات داشت که آن موارث و کتابها به من منتقل گردید.^۲

این روایت نیز مشخص می‌سازد، موارث که کتاب جامعه

۱. کافی، ج ۱، ص ۳۰۵؛ واف، ج ۲، ص ۸۲؛ بصائر الدرجات، ص ۱۶۵؛ اعلام الوری، ص ۲۶۰؛ بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۹.
۲. بصائر الدرجات، صص ۱۵۸ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۶.

علی علیه السلام نیز شامل آن می‌شود؛ در زمان حیات امام باقر علیه السلام به فرزند گرامی‌اش، امام صادق علیه السلام، منتقل گردیده است. در کتابهای دیگر در مورد سایر ائمه بعد از امام صادق علیه السلام، نیز روایاتی وارد گردیده است.^۱

در پایان این مبحث به مواردی از رجوع امامان مکتب اهل بیت علیهم السلام به کتاب جامعه علی علیه السلام می‌پردازیم. از ابان بن تغلب بن رباح روایت شده که گفت:

از علی بن الحسین علیه السلام در مورد کسی سؤال شد که درباره مقداری از مال خود وصیت کرده است (به‌طور مبهم وصیت کرده که مقداری از مال او را به فلان مصرف برسانید، اما مقدار آن را مشخص نکرده و عباراتی مانند شیء من مالی بکار برده است).

حضرت سجاد علیه السلام در پاسخ فرمود: شیء در کتاب علی علیه السلام یک ششم محسوب می‌شود^۲ نجاشی روایت کرده است که:

عذافر بن عیسی خزاعی صیرفی در معیت حکم بن عتیبه کوفی به خدمت امام باقر علیه السلام رسیدند، حکم آغاز سخن کرد و مسائلی را مطرح ساخت و امام با اینکه دیدار حکم را خوش نداشت، او را پاسخ می‌داد تا اینکه در مسئله‌ای بینشان اختلاف نظر افتاد (حکم

۱. الغیبة نعمانی، ص ۱۷۷؛ بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۲۲، ج ۳۳؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۳۱۱؛ الارشاد، شیخ مفید؛ بصائر الدرجات، ص ۱۶۴، ج ۷ تا ۹.
۲. کافی، ج ۷، ص ۴۰، ج ۱؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۵۱؛ معانی الاخبار، شیخ صدوق، ص ۲۱۷؛ التهذیب، ج ۹، ص ۲۱۱، ج ۸۳۵؛ وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۴۵۰، ج ۱.

پاسخ امام را نپذیرفت؛ در این هنگام امام باقر (عج) روی به فرزند خود کرده، فرمود: پسر، برخیز و آن کتاب علی (عج) را بیاور؛ فرزند امام فرمان برد و کتابی بزرگ که طومار وار روی هم پیچیده شده بود، پیش روی آن حضرت نهاد؛ امام آن را گشود و به جستجوی مسأله مورد بحث پرداخت تا آن را بیافت و سپس فرمود: این املاي رسول خدا (ص) و خط علی (عج) است.^۱

در ادامه همین حدیث حضرت فرمود:

به هر طرف که می‌خواهید، به شرق و به غرب بروید که به خدا سوگند، علمی از این مطمئن‌تر که نزد خانواده ماست و جبریل بر ما فرود آورده، نزد هیچکس دیگر نخواهد یافت.

بارها استفاده ائمه از کتاب جامعه علی (عج) و پاسخ دادن به سؤالات، در منابع معتبر شیعه آورده شده که ما در اینجا مواردی از آنها را ذکر می‌نماییم:

۲- کتاب الطهاره

عن زراره، عن ابي عبدالله (عج) قال فی کتاب علی (عج): انَّ الْهَرَ سَبْعٌ وَ لَا بَأْسَ بِسُورِهِ وَ اِنِّیْ لَأَسْتَحِیْ مِنْ اَللهِ اَنْ اُدْعِ طَعَاماً لِّاَنَّ الْهَرَ اَكَلَ مِنْهُ.^۲

۱. رجال نجاشی، ص ۲۷۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱ (کتاب الطهاره، باب السور السفور).

ـ کتاب الزکوة

عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: إِذَا مُنِعَتِ الزَّكَاةُ، مُنِعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا.^۱

ـ کتاب الحدود

عَنْ بَرِيدِ بْنِ مَعَاوِيَةَ قَالَ: أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام يُضْرَبُ شَارِبُ الْخَمْرِ ثَمَانِينَ وَ شَارِبُ النَّبِيذِ ثَمَانِينَ.^۲

ـ کتاب الديات

عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ أَعِينٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: فِي كِتَابِ عَلِيِّ عليه السلام دِيَّةُ كُلِّ الصَّيْدِ أَرْبَعُونَ دِرْهَمًا.^۳
در روایتی امام صادق عليه السلام فرموده اند:

حدیث من، حدیث پدرم است و حدیث پدرم، حدیث جدم و حدیث جدم همان حدیث حسین است و حدیث حسین، حدیث حسن و حدیث حسن، حدیث امیرالمؤمنین و حدیث امیرالمؤمنین، حدیث رسول خدا صلی الله علیه وآله و حدیث رسول خدا صلی الله علیه وآله، سخن خدای عز و جل است.^۴

۱. وسائل الشیعه (کتاب الزکوة، باب تحریم منع الزکوة).

۲. وسائل الشیعه، ج ۳ (کتاب الحدود، باب ثبوت الحد علی من شرب الخمر).

۳. وسائل الشیعه، ج ۳ (کتاب الديات، باب مسأله ديه من الکلاب).

۴. کافی، ج ۱، ص ۴۵۳ لا رشاد، شیخ مفید، ص ۲۵۷.

۲- مُصْحَفِ امیرالمؤمنین، علی علیه السلام

درباره مصحف امیرالمؤمنین، علی علیه السلام ابتدا خود کلمه مُصْحَف و معنای دقیق آن را بررسی می‌نماییم.

معنای مصحف

در زبان عربی به چیزی که در آن می‌نویسند صحیفه و جمع آن را صحائف و صُحُف و صُحُف می‌گویند^۱ و مصحف را مجموعه میان دو جلد می‌گویند، بنابراین مصحف نام کتاب جلد شده است، چه قرآن باشد و چه غیر قرآن (مانند مصحف حضرت زهرا علیها السلام که غیر از قرآن است و کلمه‌ای از قرآن در آن نیست).

اما مصحف علی علیه السلام چیست؟

پس از اینکه معلوم شد مصحف یعنی نوشته‌ای بین دو جلد و اینکه مصحف می‌تواند قرآن باشد و با غیر از قرآن، حالا باید عرض شود که آنچه معروف به مصحف علی علیه السلام است، همان قرآنست که آن حضرت جمع و تدوین نموده بود و آن قرآن دارای ویژگی تفسیر و شأن نزول آیات بوده و به همان ترتیب که پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داده بودند، سوره‌ها را مرتب نموده است؛ علی علیه السلام آن قرآن را پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به حکومت خلفا عرضه داشت، اما خلفا به دلیل آنکه آن قرآن همراه تفسیر و شأن نزول آیات بوده و برخی از آیات قرآن کریم در نکوهش بزرگان قریش و کسانی نازل شده بود که با رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱. لسان العرب و مفردات راغب، ماده صحف.

می جنگیدند و بخشی نیز در نکوهش قبایل برخی از صحابه قریشی و خویشاوندان خلفا نازل شده و آنها را مذمت کرده بود، لذا خلفای آن مصحف علی علیه السلام را قبول نکردند.

در اینجا برخی از آیات که شأن نزول آنها برای حکومت خلفا خوشایند نبود، می آوریم:

۱- وَالشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ فِي الْقُرْآن (اسراء / ۶۰) و آن درخت نفرین شده در قرآن؛ که شأن نزول آن درباره بنی امیه و یا افرادی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله است.

۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا اللَّهُ (حجرات / ۶) این آیه در شأن فاسقی از بنی امیه بنام ولید بن عقبه نازل شده و این ولید برادر مادر عثمان بن عفان خلیفه سوم است که در زمان عثمان مدتی والی کوفه بود. داستان شراب خواری و خواندن نماز چهار رکعتی در صبح در مسجد کوفه و سایر مفاسدش در تاریخ ثبت شده است.

۳- إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ (۴) عَسَى رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِّنْكُمْ مِّنْكِ مَسْلَمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا (۵) (تحریم / ۴ و ۵)

اگر شما دو زن به سوی خدا بازگردید که دلهای شما منحرف گردیده (به سود شماست) و اگر بر علیه او (پیامبر) متحد شوید، بدانید که خدا خود یار و مددکار او بوده و جبریل و صالح مؤمنان و فرشتگان بعد از آن پشتیبانی او خواهند بود (۴) ای بسا که اگر شما را طلاق گوید، خداوند زنانی بهتر از شما

نصیب او کند، زنانی مسلمان و مؤمن و تسلیم و تائب و عابد و هجرت کننده غیر دوشیزه و دوشیزه (۵).

هر دو آیه درباره عایشه بنت ابی بکر و حفصه بنت عمر نازل شده که هر دو از زنان پیامبر بوده و هر دو هم دختران خلیفه اول و دوم بودند که بر علیه پیامبر توطئه نموده بودند.

و همچنین آیاتی در قرآن آمده که شأن نزول آنها در مدح و ستایش اهل بیت علیهم السلام نازل شده و این آیات خوشایند و مکتب خلفا و حکومت غاصبانه آنها نبود و نمی خواستند با تفسیر و شأن نزول آن آیات، حکومتشان متزلزل شود؛ مانند:

۱- إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. (احزاب / ۳۳)

خداوند تنها اراده کرده تا رجس و پلیدی را از شما اهل بیت بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

این آیه در شأن پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام (و به تبع آنها در شأن سایر ائمه علیهم السلام نیز نازل شده است.

۲- وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي نَفْسَهُ إِتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ رَوْفٌ بِالْعِبَادِ. (بقره / ۲۰۷) و از مردم است آنکه بفروشد نفس و جان خود را در راه رضایت خدا و خداوند به بندگان مهربان است.

این آیه در شأن علی علیه السلام نازل شده، آنگاه که آن حضرت در شب اول ربیع الاول سال ۱۳ بعثت در بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابید و آن شب، پیامبر صلی الله علیه و آله توانست از مکه به مدینه هجرت نماید و به شب لیلة المیمیت مشهور است.

آیات دیگری در ستایش و معرفی اهل بیت علیهم السلام

(مانند سوره آل عمران آیه ۶۱ که به آیه مباهله شهرت دارد) در قرآن وجود دارد، اما تنها به ذکر این ۲ آیه اکتفا نمودیم. لذا چون شأن نزول این آیات و غیر آنها در مصحف علی علیه السلام به املائی رسول الله صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام آمده بود، این با سیاست خلفا سازگار نبود و آنها هم شعار حَسْبُنَا كِتَابُ اللَّهِ را اعلام نمودند (تنها قرآن ما را بس است) و قرآن را از حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله جدا ساختند، قرآن، تعلیم و تدریس و بیان و نسخه برداری شد اما فقط لفظ قرآن بود، بدون تفسیر و بدون شأن نزول آیات، و با این سیاست جلوی بسیاری از حقایق و معارف عمیق اسلام را گرفتند و نگذاشتند تا این مصحف قرآنی که همراه با تفسیر و شأن نزول بود، در جامعه معرفی و تعلیم داده شود.

حضرت علی علیه السلام آن مصحف را نزد خود نگاه داشت، این مصحف بعد از ایشان در اختیار ائمه علیهم السلام قرار گرفت و ائمه علیهم السلام از آن قرآن که همراه با تفسیر و شأن نزول بود، برای مردم و اصحاب روایت می نمودند و این مصحف اکنون در اختیار حضرت مهدی علیه السلام است که پس از ظهور آن را آشکار ساخته و دستور می فرمایند تا از روی آن تدریس شود.^۱

این مصحف با آن مشخصات که قرآنی همراه با تفسیر و شأن نزول آیات بود و به املائی پیامبر صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام تدوین شده بود، به اضافه کتاب جامعه (که تنها احکام بود)

۱. القرآن الکریم و روایات المدرستین (علامه سید مرتضی عسکری)، ج ۱۴، ص ۱۷۵.

۶۴ ■ امام مهدی علیه السلام و میراث سلف صالح

و سایر موارث نبوت و امامت را بعد از خود به امام حسن علیه السلام سپردند و بدین ترتیب تمام موارث و این مصحف هم در حال حاضر در اختیار امام مهدی علیه السلام است تا ان شاء الله در زمان ظهورش و حکومت عدلش، تعلیم و تدریس و عمل گردد.

فصل ششم

امام مهدی علیه السلام وارث مصحف
حضرت زهرا علیها السلام

همان گونه که در فصل پنجم ذکر نمودیم، مصحف یعنی کتاب جلد شده، حال چه قرآن باشد (مانند مصحف علی علیه السلام که قرآنی است همراه با شأن نزول و تفسیر تمام آیات) و چه غیر قرآن، مصحف حضرت زهرا علیها السلام، قرآن دیگری نیست و چیزی از قرآن در آن وجود ندارد بلکه اخبار حوادثی است که در آینده اتفاق خواهد افتاد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

أَنَّ فَاطِمَةَ مَكَثَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خَمْسَةً وَ سَبْعِينَ يَوْمًا كَانَ دَخَلَهَا حُزْنٌ شَدِيدٌ عَلَى أَيْبِهَا وَ كَانَ جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَام يَأْتِيهَا فَيُحَسِّنُ عِزَاءَهَا عَلَى أَيْبِهَا وَ يَطِيبُ نَفْسَهَا وَ يَخْبِرُهَا عَنْ أَيْبِهَا وَ مَكَانِهِ وَ يَخْبِرُهَا بِمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي ذُرِّيَّتِهَا وَ كَانَ عَلَى ٧ يَكْتُبُ ذَلِكَ فَهَذَا مَصْحَفُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَام.^۱

همانا فاطمه علیها السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله هفتاد و پنج روز در دنیا بود و از فراق پدر اندوه بسیاری داشت، جبرئیل علیه السلام می آمد و او را در مرگ پدر تسلی می داد و آرام می ساخت و از احوال و مقام پدرش خبر می داد، سرگذشت اولادش را پس از او برایش می گفت و علی علیه السلام آنها را می نوشت و آن نوشته ها مصحف فاطمه علیها السلام است.

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابش به نام فضیل بن سُکَره می فرماید:

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجّه) باب فیه ذکر الصحیفه و مصحف فاطمه علیها السلام حدیث ۵ - ص ۳۴۸.

یا فضیل، اتدری فی ایّ شیء کنت انظر قبیل، قال، قلت: للقال: کنت انظر فی کتاب فاطمه لیس من ملک یملک الارض الا و هو مکتوب فیہ باسمه و اسم ابیه و ما وجدت لولد الحسن فیہ شیئاً.^۱

ای فضیل، می دانی اندکی پیش چه مطالعه می کردم؟ عرض کرد: نه، فرمود: کتاب فاطمه علیها السلام را مطالعه می کردم، تمام کسانی که در زمین فرمانروایی می کنند نام خود و نام پدرشان در آن نوشته است و من برای فرزندان حسن چیزی در آن ندیدم.

با این احادیث روشن می گردد که مصحف حضرت زهرا، علیها السلام کتابیست که در آن حوادث آینده نوشته شده؛ مثلاً اینکه چه کسانی پادشاهی یا حکومت می کنند (البته به طور رمز).

حماد بن عثمان گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند:

در سال ۱۲۸ زنادقه ظاهر می شوند. چون در مصحف فاطمه علیها السلام دیده ام. عرض کردم: فاطمه علیها السلام چیست؟ فرمود: پس از گذشت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، فاطمه زهرا علیها السلام آنقدر محزون شد که جز خدا کسی نمی داند؛ خدا فرشته ای را فرستاد او را تسلی دهد و با او صحبت کند، آن حضرت جریان را برای علی علیه السلام نقل کرد. امیرالمؤمنین به او فرمود: هر

۱. اصول کافی، ج ۱ (کتاب الحجّه) باب فیہ ذکر الصحیفه و الجامعه و مصحف فاطمه علیها السلام حدیث ۸ - ص ۳۵۰.

وقت احساس به آمدن او کردی و صدا را شنیدی به من اطلاع بده. فاطمه علیها السلام اطلاع داد و علی علیه السلام هر چه می شنید، می نوشت تا به صورت مصحفی درآمد. پس امام صادق علیه السلام فرمود: در آن مصحف از حلال و حرام چیزی نیست ولی وقایعی است که اتفاق می افتد.^۱

با این حدیث روشن می شود که آن مصحف حضرت فاطمه علیها السلام به دست امام صادق علیه السلام رسیده بود، و آن حضرت از روی آن مصحف، اخباری را نقل می کرده است؛ این مصحف نیز از جمله مواردی است که نزد امام عصر علیه السلام است.

در کتاب بصائر الدرجات با بیش از یک سند از قول امام صادق علیه السلام آمده است که در آن حضرت در جواب کسانی که نزد او آمده و آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله برای علی علیه السلام و او برای حسن علیه السلام باقی گذارده سؤال می کردند، فرمود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی را نزد ما باقی گذارده که همه آنچه بشر نیازمند آن است، حتی خسارت خراش ناخن نیز در آن هست (کتاب جامعہ علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام مصحفی باقی گذارده که قرآن نیست...^۲

برخی از نویسندگان اهل سنت نیز مطالبی غیر واقعی در خصوص مصحف فاطمه علیها السلام گفته و نوشته اند که این مصحف، یک قرآن دیگریست، در حالی که احادیث ائمه

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۴۶، ح ۲؛ بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۴۴، ۷۷.

۲. معالم المدرستین ج ۲، ص ۳۲۲؛ بصائر الدرجات، ص ۱۵۶.

۷۰ ■ امام مهدی علیه السلام و میراث سلف صالح

تماماً مؤید این مطلب است که این مصحف هیچ کلمه‌ای از قرآن را در بر ندارد، بلکه خبر از حوادث و وقایع می‌دهد و نیز احکام در آن نیست و هیچکدام از بزرگان شیعه، ادعا نکرده‌اند که مصحف حضرت زهرا علیها السلام قرآن است.

بنابراین این مصحف هم با آن خصوصیتی که بیان شد، جزء کتابها و سایر مواردی است که در نهایت به دست امام مهدی علیه السلام و به توسط پدر بزرگوارش، امام حسن عسکری علیه السلام رسیده است.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- اصول کافی ، ثقة الاسلام یعقوب کلینی (محمد بن یعقوب بن اسحاق الكلینی الرازی ، متوفی ۳۲۹ هـ ق).
- ۲- لسان العرب ، ابن منظور (علامه ابن منظور الافریقی المصری ، متوفی ۷۱۱ هـ ق).
- ۳- كنز العمال فی سنین الاقوال و الافعال ، علاء الدین علی المتقی الهندی.
- ۴- ینابیع الموده ، سلیمان بن ابراهیم القندوزی الحنفی.
- ۵- مناقب آل ابی طالب ﷺ ، ابو جعفر رشیدالدین محمد بن شهر آشوب (مشهور به مناقب شهر آشوب).
- ۶- رجال نجاشی ، ابوالعباس احمد بن علی بن عباس نجاشی.
- ۷- من لا یحضره الفقیه ، شیخ صدوق (ابو جعفر بن علی حسین بن بابویه قمی - متوفی ۳۸۱ هـ ق).
- ۸- بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار، محمد باقر مجلسی - متوفی ۱۱۱۱ هـ ق).
- ۹- معانی الاخبار ، شیخ صدوق (ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی).
- ۱۰- الامالی ، شیخ صدوق (ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی).
- ۱۱- تهذیب الاحکام ، شیخ الطائفه محمد طوسی . (ابو جعفر محمد بن حسن بن علی مشهور به شیخ الطائفه ، متوفی ۴۶۰ هـ ق).
- ۱۲- الغیبه النعمانی ، محمد بن ابراهیم بن جعفر النعمانی.

- ۱۳- المفردات الفاظ القرآن فی غریب القرآن (مفردات راغب)، ابوالقاسم الحسین بن محمد الراغب الاصفهانی.
- ۱۴- کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق.
- ۱۵- الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، سید بن طاووس (رضی الدین علی بن موسی متوفی ۶۶۴ هـ ق).
- ۱۶- المنتخب الاثر، آیه الله لطف الله صافی گلپایگانی.
- ۱۷- الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، شیخ مفید (مشهور به ارشاد شیخ مفید).
- ۱۸- اعلام الوری باعلام الهدی، امین الاسلام طبرسی (ابو علی فضل بن الحسن - متوفی ۵۴۸ هـ ق).
- ۱۹- الغیبه، شیخ طوسی (ابوجعفر محمد بن حسن بن علی مشهور به شیخ الطائفه، متوفی ۴۶۰ هـ ق).
- ۲۰- الاختصاص، شیخ مفید (لابی عبدالله محمد بن محمد بن النعمان العکبری البغدادی متوفی ۴۶۰ هـ ق).
- ۲۱- وسائل الشیعه الی تحصیل الشریعه، شیخ حر عاملی (محمد بن الحسن الحر العاملی متوفی ۱۱۰۴ هـ ق).
- ۲۲- بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیه و آله، محمد بن حسن صفار (محمد بن حسن بن فروخ الصفار - متوفی ۲۹۰ هـ ق).
- ۲۳- حیوه القلوب، علامه محمد باقر مجلسی.
- ۲۴- تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، سید عبدالحسین طیب.
- ۲۵- القرآن الکریم و روایات المدرستین، علامه آیه الله سید مرتضی عسکری.

- ۲۵- نقش ائمه علیهم السلام در احیاء دین، علامه آیه الله سید مرتضی عسکری.
- ۲۷- معالم المدرستین ، علامه آیه الله سید مرتضی عسکری.
- ۲۸- سنن ابن ماجه ، ابو عبدالله محمد بن یزید بن عبدالله بن ماجه القزوينی متوفی ۲۷۳ هـ ق.
- ۲۹- مُسند احمد ، احمد بن محمد بن حنبل الشیبانی متوفی ۲۴۱ هـ ق.

ملحقات

۱- متن کامل دیدگاه دانشمند معظم و مجتهد عالی قدر
حضرت آیه الله آقای صابری همدانی پیرامون مصحف
فاطمه زهرا علیها السلام و جفر و جامعه

بسم الله الرحمن الرحيم

مصحف فاطمه، جفر و جامعه

یکی از معتقدات و باورهای شیعه دوازده امامی موضوع
مصحف فاطمه زهرا علیها السلام و جفر و جامعه امام علی بن
ابی طالب علیه السلام است اینان بر این باورند در این سه منابع مسائل
و احکام و موضوعات دیگری وجود دارد که در دیگر منابع
اسلامی یافت نمی شود و فقط در دست و اختیار امامان معصوم
علیهم السلام قرار دارد. گاهی برادران مسلمان اهل سنت و
شیعه از حقیقت این سه امر می پرسند و با نظر شبهه و تردید
بآنها می نگرند لازم دانستم برای رفع شبهه و بیان حقیقت
سطوری بنگارم دقت و انصاف خواننده عزیز را هم متوقع
هستم. مقدمتاً باید گفته شود که حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله
در چهل سالگی به رسالت و پیامبری مبعوث شد و سخنان آن
حضرت و قرآنش به گوش مردم رسید و تدریجاً به صورت
حدیث نقل شد و به دست ما رسید و به مرور زمان شکل کتاب
بخود گرفت.

آیا پیامبر بزرگوار اسلام تا چهل سالگی حرفی، حدیثی،
سخنی، کلامی نداشته و دهان مبارکش را بسته بود هیچ مطلبی

از گذشته و آینده، اخلاقی و تربیتی، خانوادگی، اجتماعی، دینی و سیاسی نمی فرموده یا لااقل به عنوان یک فرد کامل و عاقل و صاحب تجربه و فکر و اندیشه مطالبی و نصائحتی داشته است اگر داشته که یقیناً هم بوده این همه معلومات را کی نوشته و نزد چه کسی بوده و چه شخصی آنها را شنیده و ضبط کرده. در آن هنگام که مهاجر و انصار صحابه، نویسندگان و کتاب وحی نبود. ابوهریره و دیگران نبودند و ارتباطی با اسلام نداشتند ولی خدیجه کبری و علی بن ابی طالب و فاطمه زهرا و خانواده رسول خدا این مطالب را می شنیدند و به خاطر می سپردند.

پس از رسیدن دوره رسالت سیزده سال آن حضرت در مکه معظمه تحت شکنجه و آزار و اذیت و محاصره و ممانعت بسر برده در این مدت نسبتاً طولانی که باز مطالب و مسائل فراوان و مفید و گاهی پیش گوئیه‌ها و وعده‌هایی هم داشته است از مهاجر و انصار و صحابه که فرمایش‌ها آن حضرت را بنویسند و ضبط کنند کسی جز خانواده‌اش خدیجه، علی و زهرا نبود که این مطالب و موضوعات را از زبان پیامبر بشنود و به خاطر بسپارد از همین رهگذر است که زمینه مصحف فاطمه و جفر و جامعه علی بن ابی طالب علیه السلام فراهم می گردد.

مصحف فاطمه که به معنای صحیفه و نوشته است حاوی مطالبی است که دختر پیغمبر از پدرش در دوران حیات تا رحلتش که اقلش هیجده سال است شنیده و آنها را نوشته و به خاطر داشته است و در آن مصحف جمع شده و گرد آمده مطابق روایات حرفی از قرآن کریم در آن مصحف نیست که

جبرئیل به عنوان قرآن و معجزه جاودانی پیامبر اسلام آورده باشد بلکه گفتار و سخنانی است که از پیامبر اسلام شنیده به علاوه مطالبی که بعد از رحلت پیغمبر اکرم وسیله ملکی از ملائک به فاطمه زهرا بیان شده که تسلی خاطر آن بانوی بزرگ اسلام فراهم شود و این مصحف قرآن کریم نیست و کتاب آسمانی اسلام را پس از گردآوری و جمع کردن در یک جا مصحف نامیدند.

اما جفر که به معنای پوست گوسفند است در زمانی که کاغذ برای نوشتن و یادداشت مطالب وجود نداشت از آن استفاده می شد. امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب تمام مطالب شنیده از پیامبر اسلام تا پنجاه و سه سال عمر آنحضرت و هجرت مدینه طیبه با هر آنچه خصوصی و سری را در جفر در پوست گوسفندی نوشته و به عنوان اسرار امامت و ودیعه نگه می داشت.

علاوه بر این کتابی به نام جامعه نزد علی بن ابی طالب با املای پیغمبر اکرم وجود داشته که هر چیزی که مسلمانان محتاج به آن می شدند از احکام و مسائل در آن نوشته درج شده بود به همین سبب و علت است که پیغمبر اکرم در حدیث متواتر فرموده:

أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ عَلِيُّ بَابُهَا، يَا، أَنَا مَدِينَةُ الْحَكْمِ عَلِيٌّ

بابها و من اراد المدينه فلياتها من بابها.

بر هر کسی که دنبال علم و حکمت برود باید با امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب مراجعه کند و از او بپرسد و بشنود خواه به خلافت بلافصل علی بعد از پیغمبر مانند دوازده

امامی‌ها معتقد باشند یا مانند سنی‌ها در مرتبه چهارم بدانند ولی مرکز رسمی علمی و منبع صحیح اسلامی آن حضرت است که بایستی بعد از پیغمبر اکرم به او مراجعه شود اگر مراجعه می‌شد این همه اختلاف پیش نمی‌آمد این منابع علمی تماماً از علی بی ابی طالب و فاطمه زهرا به فرزندان به ارث رسیده و نزد امامان معصوم بوده گاهی از امام صادق مسئله‌ای را می‌پرسیدند آن حضرت می‌فرمود: کتاب جدم علی را بیاورید و می‌آوردند برای اطمینان و اعتماد کامل مسائل را از آن کتاب بیان می‌کرد.

این است موضوع مصحف فاطمه و جفر و جامعه که دوازده امامی‌های شیعه بدان معتقدند در این جفر و جامعه مطالبی وجود داشته که جنبه‌های سیاسی را دربرداشت از انقراض دولت بنی‌امیه و روی کار آمدن بنی عباس و شرارت جنایت برخی از قبایل که فقط برای افراد خاص گفته می‌شده.

والسلام علی من اتبع الهدی

الاحقر صابری همدانی

به تاریخ ۲۲ / ۴ / ۸۳

برابر با ۲۳ جمادی الاول ۱۴۲۵

۲- در خصوص چگونگی رسیدن الواح حضرت موسی به پیامبر صلی الله علیه و آله

عن ابی حمزه عن ابی عبد الله علیه السلام قال: فی الجفر ان الله تبارک و تعالی لما انزل الله الالواح علی موسی علیه السلام انزلها علیه و فیها تبیان کل شیء کان او هو کائن الی ان تقوم الساعه فلما انقضت ایام موسی او حی الله استودع الالواح و هی زبر جده من الجنة جبلاً یقال له زینه، فأتی موسی الجبل فانشق له الجبل فجعل فی الالواح ملفوفه فلما جعلها فی انطبق الجبل علیها، فلم تنزل فی الجبل حتی بعث الله نبیه محمداً صلی الله علیه و آله فاقبل ركب من الیمن یریدون الرسول صلی الله علیه و آله فلما انتهوا الی الجبل انفرج الجبل و خرجت الالواح ملفوفه کنا وضعها موسی فأخذها القوم، فلما وقعت فی ایدیهملقى الله فی قلوبهم ان لا ینظروا الیها و هابوها حتی یأتوا ابها رسول الله صلی الله علیه و آله و انزل الله جبریل علی نبیه فاخبره بامر القوم و بالذی اصابوه، فلما قدموا علی النبی صلی الله علیه و آله ابتدأهم فسألهم عما وجدوا فقالوا: و ما علمک بما وجدنا؟ قال: اخبرنی به ربی و هو الالواح قالوا: نشهد انک لرسول الله فاخرجوها فوضعوها الیه فنظر الیها و قرأها و كانت بالعبرانی ثم دعا امیر المؤمنین علیه السلام فقال: دونک هذه ففیها علم الاولین و علم الآخرین و هی الالواح موسی و قد امرنی ربی ان ادفعها الیک فقال: یا رسول الله لست احسن قرائتها، قال: ان جبریل امرنی ان آمرک ان تضعها تحت رأسک کتابک هذه اللیله فانک تصبح و قد علمت قرائتها، قال فجعلها تحت رأسه فاصبح و قد علمه الله کل شیء فیها، فامرہ رسول الله صلی الله علیه و آله بنسخها فنسخها فی جلدہ شاه و هو الجفر، و

فيه علم الاولين و الآخرين، هو عندنا و الالواح عندنا و عصا موسى عندنا و نحن ورثنا النبيين صلّى الله عليهم اجمعين، قال: قال ابو جعفر عليه السلام: تلك الصخره التى حفظت الواح موسى تحت شجره فى واد يعرف بكذا.^۱

۳- در مورد عصای حضرت موسی عليه السلام

عن محمد بن علی عليه السلام قال: كانت عصا موسى لآدم فصارت الى شعيب، ثم صارت الى موسى بن عمران و انها لتروع و تلقف ما يأكفون و تصنع ما تؤمر، يفتح لها شعبتان احديهما فى الارض و الاخرى فى سقف و بينهما اربعون ذراعاً تلقف ما يأكون بلسانها.^۲

۴- عن ابی الصهبان البکری قال: سمعت علی بن ابی طالب عليه السلام و دعا رأس الجالوت و اسقف النصاری فقال: ائنی سائلکما عن امر و انا اعلم به منکما فلا تکتمانی یا رأس الجالوت بالذی انزل التوریه علی موسى و اطعمکم المنّ و السلوی و ضرب لکم فی البحر طریقاً یبساً و فجّر لکم من الحجر الطوری اثنتا عشرة عیناً لكل سبط من بنی اسرائیل عیناً إلا ما اخبرتنی علی کم افترقت بنو اسرائیل بعد موسى؟ فقال، فرقه واحده فقال: کذبت و الذی لا اله غیره لقد افترقت علی احدى و سبعین فرقه کلّها فی النار الا واحده، فانّ الله یقول: و من قوم موسى اُمّه یهدون بالحق و به یعدلون

۱. البحار، ج ۶ ص ۲۲۷؛ تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۳۶؛ تفسیر الصافی، ج ۱،

ص ۶۱۲؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸.

۲. البحار، ج ۵، ص ۲۵۴؛ تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۲۷؛ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵.

فهذا التي تنجوه.^١

٥- عن مفضل الجعفي عن ابي عبدالله عليه السلام قال: سمعته يقول: اتدري ما كان قميص يوسف؟ قال: قلت لا قال: إن ابراهيم لما و قدوالنار له اتاه جبريل من ثياب الجنة فألبسه اياه فلم يضره معه حر ولا برد فلما حضر ابراهيم الموت جعله في تميمة و علقة على اسحاق و علّق اسحاق على يعقوب فلما ولد ليعقوب يوسف علّقه عليه، و كان في عضده حتى كان من امره ما كان، فلما اخرج يوسف القميص من التميمه وجد يعقوب ريحه و هو قوله اني لاجد ريح يوسف لو لا تفندون فهو ذلك القميص التي انزل من الجنة قلت: جعلت فداك فالي من صار ذلك القميص؟ فقال الي: اهله ثم قال: كل نبى ورث علماً او غيره فقد انتهى الى محمد ﷺ.^٢

٦- عن حريز عن رجل عن ابي جعفر عليه السلام في قول الله: اَنْ يَأْتِيَكُمْ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ مُوسَى وَ آلُ مُوسَى وَ آلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ، قال، رضا ضالالواح فيها العلم و الحكمة العلم جاء من السماء فكتب في الالواح و جعل في التابوت.^٣

٧- عن العباس بن هلال عن ابي الحسن الرضا قال عليه السلام

١. البحار، ج ٨، ص ٢؛ تفسير البرهان، ج ٢، ص ٤١؛ تفسير عياشي، ج ٢، ص ٣٢.

٢. تفسير البرهان، ج ٢، ص ٢٦٦؛ البحار، ج ٥، ص ١٧٨؛ تفسير عياشي، ج ٢، ص ١٩٤.

٣. تفسير الصافي، ج ١، ص ٢٠٨؛ البحار، ج ٥، ص ٣٣١؛ تفسير البرهان، ج ١، ص ٢٣٧؛ تفسير عياشي، ج ١، ص ١٣٣.

سمعتہ و هو يقول للحسن، ائی شیء السکینه عندکم و قرأ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَهُ عَلَى رَسُولِهِ، فقال له الحسن، جعلت فداک لا ادری فای شیء؟ قال: ریح تخرج من الجنة طیبہ لها صورہ کصورہ وجہ الانسان قال: فتکون مع الانبیاء فقال له علی بن اسباط: تنزل علی الانبیاء و الاوصیاء؟ فقال: تنزل علی الانبیاء [و الاوصیاء] قال: و هی التي نزلت علی ابراهیم علیه السلام حیث بنی العکبه فجعلت تأخذ کذا کذا و بنی الاساس علیها فقال له محمد بن علی: قول الله فيه سکینه من ربکم قال: هی من هذا ثم اقبل علی الحسن فقال: ائی شیء التابوت فیکم؟ فقال: السلاح، فقال: نعم هو تابوتکم، فقال فأی شیء فی التابوت الذی کان فی بنی اسرائیل؟ قال: کان فيه الواح موسی التي تکسرت والطست التي تغسل فيها قلوب الانبیاء.^۱

۸- در مورد موارد انبیا و مصحف علی علیه السلام

علامه مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین عاملی در کتاب النص و الاجتهاد (ترجمه علی دوانی، ص ۱۶۱، بخش ۱۴، منع از نوشتن احادیث پیامبر) می نویسد:

اما خود پیغمبر همگی کتاب خدا (قرآن) و سنت و میراث پیغمبران را به جانشین خویش علی بن ابی طالب سپرد بدین گونه آنها را در امام مبین گرد آورد که هرگز باطل در وجود او راه ندارد و به آن حضرت وصیت کرد آنها را به امامان بعد از خود بسیار امامانی که یکی از دو ثقل پیغمبر و همتای کتاب خدا بودند و از

۱. البحار، ج ۵، ص ۳۳۱: تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۲۳۷: تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۲۰۹: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۳۴.

یکدیگر جدا نمی شوند تا در حوض کوثر بر پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد گردند.

۹- عن جابر الجعفی فی تفسیر هذه الآية تَعْلَمُ ما فی نَفْسِی وَ لا اَعْلَمُ ما فی نَفْسِکَ إِنَّکَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ، قال انَّ الاسم الاکبر ثلثه و سبعون حرفاً فاحتجب الربُّ تبارک و تعالی منها بحرف، فمن ثَمَّ یَعْلَمُ احد ما فی نفسه عزَّ و جل، أعطى آدم اثنین و سبعین حرفاً و فتوارثتها الانبیاء حتی صارت الی عیسی فذلک قول عیسی تعلم ما فی نفسی یعنی اثنین و سبعین حرفاً من الاسم الاکبر، یقول: انت عَلَّمْتَنِیها فانت تعلمها و لا اعلم فی نفسک یقول؛ لَانکَ احتجبت [من خلقک] بذلک الحرف فلا یعلم احدا ما فی نفسک.^۱

۱۰- عن عبدالله بن بشیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال، کان مع عیسی حرفین یعمل بهما و کان مع، موسی اربعة و کان مع ابراهیم سِتَّةَ و کان مع نوح ثمانیه و کان مع آدم خمسة و عشرين و جمیع ذلک کلّه لرسول الله صلی الله علیه و آله انَّ اسم الله ثلثه و سبعون حرفاً، کان مع رسول الله صلی الله علیه و آله اثنان و سبعین حرفاً و حجب عنه واحد.^۲

۱۱- حدیثی که اثبات می کند ودایع نبوت به وسیله ابوطالب علیه السلام به دست پیامبر رسیده است:

مُحَمَّدُ بْنُ یَحْیَی قَالَ: حَدَّثَنِی دُرُشْتُ بْنُ أَبِی مَنْصُورٍ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ علیه السلام : إَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله

۱. تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۵۱۳؛ البحار، ج ۵، ص ۳۲۶ و ج ۵، ص ۵۶.

تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۵۰۰؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۵۲.

۲. تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۵۱۳؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۵۲.

مَحْجُوجاً بِأَبِي طَالِبٍ؟ فَقَالَ، لَا، وَ لَكِنَّهُ كَانَ مُسْتَوْدِعاً
لِلْوَصَايَا فَدَفَعَهَا إِلَيْهِ عليه السلام وَ سَلَّمَ. قَالَ: قُلْتُ فَدَفَعَ إِلَيْهِ
الْوَصَايَا عَلَى أَنَّهُ مَحْجُوجٌ بِهِ؟ فَقَالَ: لَوْ كَانَ مَحْجُوجاً بِهِ
مَا دَفَعَ إِلَيْهِ الْوَصِيَّةَ، قَالَ: فَقُلْتُ: فَمَا كَانَ حَالُ أَبِي
طَالِبٍ؟ قَالَ: أَقَرَّ بِالنَّبِيِّ وَ بِمَا جَاءَ بِهِ وَ دَفَعَ إِلَيْهِ الْوَصَايَا
وَ مَاتَ مِنْ يَوْمِهِ.^۱

۱۲- یعقوب سراج می گوید که خدمت امام صادق علیه السلام
عرضه داشتم: فرج شیعیان شما چه وقت است؟ فرمودند:
... فرج ما هنگامی است که صاحب الامر علیه السلام با
میراثهای پیامبر اکرم از مدینه خارج شده رهسپار مکه
معظمه گردد.

پرسیدم: میراث پیامبر اکرم چیست؟ فرمود: شمشیر، زره،
عمامة، بُرد، تازیانه، پرچم، سپر و زین آن حضرت است. چون
وارد مکه شود شمشیر را از غلاف بیرون آورد، زره، بُرد و عمامه
را می پوشد، پرچم را برافراشته، تازیانه را به دست می گیرد و از
خدای تبارک و تعالی اذن ظهور می طلبد.^۲

۱۳- حضرت مهدی علیه السلام با موارث گرانبهای انبیا می آید، و
به وسیله آنها با تمام پیروان ادیان و ملل جهان اتمام حجت
می نماید و راه عذر و بهانه برای هیچ یک از پیروان ادیان الهی
باقی نمی گذارد، تا اینکه همگی به اسلام بگردند.^۳

۱. اصول کافی (۶ جلدی)، ج ۳ (باب مولد النبى صلی الله علیه و آله)، ج ۱۸۰، ص ۲۷۴.
۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۱، ج ۶۶، کافی، ج ۸، ص ۲۲۴، ح ۲۸۵؛ ظهور
حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و ملل جهان، سید اسداله هاشمی
شهیدی، ص ۴۲۹؛ الغیبة النعمانی، ص ۱۴۴.
۳. [مؤلف].

۱۴- امام باقر علیه السلام می فرماید:

حضرت قائم علیه السلام با پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله، انگشتر حضرت سلیمان، سنگ موسی و عصای او ظاهر خواهد شد.^۱

۱۵- امام باقر علیه السلام درباره نام مبارک مهدی علیه السلام می فرماید:

به او، مهدی، گفته می شود زیرا به امر پنهان هدایت شده و به آن آگاه شده است. او تورات و انجیل و سایر کتابهای آسمانی را از غاری در انطاکیه (شهری در جنوب ترکیه) بیرون می آورد و در میان یهودیان با تورات، و در میان مسیحیان با انجیل و در میان زبوریان با زبور و در میان مسلمانان با قرآن داوری می کند.^۲

۱۶- امام باقر علیه السلام در حدیثی راجع به عصای حضرت

موسی علیه السلام می فرماید:

عصای موسی نخست در دست آدم بود، سپس به دست شعیب رسید و سرانجام به دست موسی بن عمران و هم اکنون در دست ماست و آن هم اکنون در دست من سبز است همانند روزی که از درخت بریده شد. با این عصا هر وقت سخن گوئیم سخن می گوید. این عصا برای قائم ما آماده شده که همچون موسی بن عمران آن را به کار می برد. این عصا اهل باطل را می ترساند و هرچه بیندازد می بلعد و آنچه حجت خدا فرمان دهد اطاعت کند...^۳

۱۷- امام علی علیه السلام در ضمن یک خطبه بسیار مفصل و

۱. الغیبة نعمانی، ص ۲۳۸، ج ۲۸.

۲. الغیبة نعمانی، ص ۲۳۷، ج ۲۶.

۳. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۱، ح ۱؛ مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، ج

۲، ص ۶ ماده ارب اوصاف عصای موسی علیه السلام.

طولانی بعد از ذکر اسامی اصحاب قائم علیه السلام می فرماید: ...آنگاه به سوی کوفه عزیمت می کند و بر تخت سلیمان پیامبر می نشیند. عصای موسی را در دست می گیرد و روح الامین (جبریل) و حضرت عیسی بن مریم علیه السلام همنشین او هستند بُرد پیامبر را بر تن دارد و ذوالفقار را حمایل کرده و صورتش چون قرص ماه در شب چهارده می درخشد، از میان دندانهای ثناییش نوری چون برق ساطع می شود و بر سر مبارکش تاجی از نور قرار دارد.^۱

۱۸- امیرمؤمنان علی علیه السلام در ضمن حدیثی می فرماید:
جهان پر از هرج و مرج می شود، افق زندگی تیره و تار می گردد، در این موقع مهدی ما می آید در حالی که پیراهن آدم در تن او، انگشتر حضرت سلیمان در دست او و عصای حضرت موسی در اختیار اوست.^۲

۱۹- حذیفه بن یمان در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام نقل می کند که در مورد برخی از فتوحات حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

زیورهای بیت المقدس، تابوت سکینه، مائده بنی اسرائیل، بقایای الواح، عصای موسی، منبر سلیمان را بیرون می آورد. همچنین یک قفیز از (من) که برای بنی اسرائیل فرودآمده بود بیرون می آورد در حالی که شیر از سفیدتر است.^۳

۱. الزام الناصب، علی حائری یزدی، ج ۲، ص ۲۰۳؛ ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام، سید اسدالله هاشمی شهیدی، ص ۴۲۸.

۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۴.

۳. الزام الناصب، علی حائری یزدی، ج ۲، ص ۲۹۹؛ عقد الدرر فی اخبار المنتظر، المقدسی الشافعی، ص ۱۹۷.

۲۰- در روایتی دیگر آمده است:

تابوت سکینه به وسیله او از دریاچه طبریه (در فلسطین) بیرون آورده می شود و همراه آن حضرت حمل گردیده، در بیت المقدس برابر او گذاشته می شود. هنگامی که یهودیان آن را ببینند همگی به شرف اسلام مشرف می شوند به جز تعدادی اندک که اسلام نمی آورند.^۱

۲۱- علی بن ابراهیم عن صالح بن السنّی عن جعفر بن بشیر عن ابی عبدالرحمن الحذاء عن اسامه عن ابی عبیده عن ابی جعفر علیه السلام قال: مسجد کوفان صلی فیہ الف نبی و سبعون نبیاً و فیہ عصا موسی و شجره یقطین و خاتم سلیمان و منه فارالتنور و نجرت السفینه و هی سرّه بابل و مجمع الانبیاء.^۲

۲۲- احمد بن محمد بن یحیی عن ابیه عن ابن ابان عن ابن أورمه عن علی بن مطهر عن الحسن بن المیشمی عن رجل عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال ابوذر، یا رسول الله کم بعث الله من نبی؟ فقال: ثلاث مائه الف نبی و عشرين الف نبی قال: یا رسول الله فکم المرسلون؟ فقال: ثلاث مائه و بضعه عشر. قال: یا رسول الله فکم انزل الله من کتاب؟ فقال: مائه کتاب و اربعه و عشرين کتاباً: انزل علی ادريس خمسين صحیفه و هو آخنوخ و هو اول من خطّ بالقلم، و انزل علی نوح و انزل علی ابراهیم عشرّاً، انزل التوراه علی موسی، الزبور علی داود، الانجیل علی

۱. الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، ابن طاووس (رضی الدین علی بن موسی)، ص ۱۵۰، باب ۱۵۴: ظهور حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اسلام و مذاهب و ملل جهان، ص ۴۲۶.

۲. بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۵۸، ج ۶۰، التهذیب، ج ۱، ص ۱۹۳.

عيسى و القرآن على محمد ﷺ .^١

٢٣- ابى عن احمد بن ادريس عن الاشعري عن عبدالله بن احمد عن محمد بن علي الصيرفي عن الحسين بن خالد قال: قلت لابي الحسن موسى بن جعفر عليه السلام: ما كان نقش آدم عليه السلام؟ فقال: لا اله الا الله، محمد رسول الله ﷺ . هبط به آدم من الجنة و ساق الحديث الى قوله: برداً و سلاماً.^٢

٢٤- احمد بن محمد عن ابى عبدالله البرقي يرفعه الى ابى عبدالله عليه السلام قال: ان الله عز و جل جعل اسمه الاعظم على ثلاثه و سبعين حرفاً. فأعطى آدم منها خمسة و عشرين حرفاً و اعطى نوحاً منها خمسة و عشرين حرفاً و اعطى منها ابراهيم عليه السلام ثمانية احرف و اعطى موسى منها اربعة احرف و اعطى عيسى منها حرفين و كان يحيى بهما الموتى و يبرى الاكمه و الابرص و اعطى محمداً اثنتين و سبعين حرفاً و احتجب حرفاً لئلا يعلم ما فى نفسه و يعلم ما فى نفس العباد.^٣

٢٥- باسناده عن ابن فضال عن الرضا عليه السلام قال: لما اشرف نوح على الغرق دعا الله بحقنا فدفع الله عنه الغرق و لما رمى ابراهيم فى النار دعا الله بحقنا فجعل الله النار عليه برداً و سلاماً و ان موسى عليه السلام لما ضرب طريقاً فى البحر، دعا الله بحقنا فجعله ييساً و ان عيسى عليه السلام لما

١. بحار الانوار، ج ١١، ص ٦٠، ج ١٦٨ الاختصاص.

٢. بحار الانوار، ج ١١، ص ٦٣؛ خصال، ج ١، ص ١٦٢.

٣. بحار الانوار، ج ١١، ص ٦٨؛ بصائر الدرجات، ص ٥٦.

اراد اليهود قتله دعا الله بحقنا من القتل و رفعه اليه.^١

٢٦- احمد بن ادريس عن محمد بن عبد الجبار عن صفوان بن يحيى عن شعيب الحداد عن ضرير الكناسي قال: كنت عند أبي عبدالله عليه السلام عنده ابو بصير فقال ابو عبدالله عليه السلام ، ان داود عليه السلام ورث علم الانبياء و ان سليمان عليه السلام ورث داود و عليه السلام ان محمداً صلى الله عليه وآله ورث سليمان عليه السلام و انا ورثنا محمداً صلى الله عليه وآله ، و ان عندنا صحف ابراهيم و الواح موسى فقال ابو بصير: ان هذا هو العلم. فقال: يا ابا محمد ليس هذا هو العلم، انما العلم ما يحدث بالليل و النهار يوماً بيوم و ساعة بالساعة.^٢

٢٧- ابو محمد عن عمران بن موسى عن موسى بن جعفر البغدادي عن علي بن اسباط عن محمد بن الفضيل عن الثمالي عن ابي عبدالله عليه السلام قال: في الجفر ان الله تعالى لما انزل الواح موسى عليه السلام انزلها عليه و فيها بيان كل شيء كان و هو كائن الى ان تقوم الساعة فلما انتضت ايام موسى او حى الله اليه ان استودع الالواح و هي زبرجده من الجنة الجبل، فأتى موسى الجبل فانشق له الجبل فجعل فيه الالواح ملفوفة فلما جعلها فيه انطبق الجبل عليها، فلم تزل في الجبل حتى بعث الله نبيه محمداً صلى الله عليه وآله فأقبل ركب من اليمن يريدون النسيب صلى الله عليه وآله فلما انتهوا الى الجبل انفرج الجبل و خرجت الالواح ملفوفة كما وضعها موسى عليه السلام فأخذها القوم، فلما وقعت في ايديهم القى في قلوبهم ان لا

١. بحار الانوار، ج ١١، ص ٦٩، ح ٢٧: قصص الانبياء.

٢. بحار الانوار، ج ١٧، ص ١٣٢، ح ١٨: اصول کافی، ج ١، ص ٢٢٥.

ينظروا اليها و هابوها حتى يأتوا بها رسول الله صلى الله عليه وآله و انزل الله جبرييل على نبيه صلى الله عليه وآله فأخبره بأمر القوم و بالذي اثابوا فلما قدموا على النبي صلى الله عليه وآله ابتدأهم النبي صلى الله عليه وآله فسألهم عما وجدوا فقالوا: و ما علمك بما وجدنا؟ فقال: اخبرني به ربّي و هي الالواح قالوا: نشهد أنك رسول الله صلى الله عليه وآله فأخرجوها فدفعوها اليه فنظر اليها و قرأها و كتبها بالعبراني هم دعا امير المؤمنين عليه السلام فقال: دونك هذه ففيها علم الاولين و علم الآخرين و هي الواح موسى عليه السلام و قد امرني ربّي ان ادفنها اليك. قال: يا رسول الله لست احسن قراءتها قال: انّ جبرييل امرني ان آمرک ان تضعها تحت رأسک ليلتك هذه فانک تصبح و قد علمت قراءتها. قال: فجعلها تحت رأسک فاصبح و قد علّمه الله كلّ شيء فيها، فأمره رسول الله صلى الله عليه وآله ان ينسخها فنسخها في جلد شاه و هو الجفر و فيه علم الاولين و الآخرين و هو عندنا و الاله اح و عصا موسى عندنا و نحن ورثنا النبي صلى الله عليه وآله.^۱

۲۸- وقتی حضرت قائم علیه السلام از مکه قیام نماید و عازم کوفه شود، منادی او ندا می دهد: هیچ یک از شما خوراکی و آشامیدنی بر ندارد [مهدی علیه السلام] سنگ موسی را که دوازده چشمه از او جاری می شود با خود حمل می نماید؛ در هر منزلی که وارد شود آن را نصب می کند و چشمه ها از او می جوشد، هر گرسنه از آن بخورد سیر و هر تشنه سیراب می شود. این توشه آنان خواهد بود.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۱۳۷، ح ۲۱، بصائر الدرجات، ص ۳۸.
۲. الخرائج و الجرائع ج ۲ ص ۶۹۰- بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۵.

۲۹- حضرت قائم علیه السلام هنگام خروج عصای موسی علیه السلام را به همراه دارد که هرگاه آن را بیفکند ازدهایی خواهد شد که فاصله بین دو فکش چهل ذراع است و هر آنچه را که به او امر شود می‌بلعد.^۱

۳۰- زره رسول خدا صلی الله علیه و آله بر تن قائم ما علیه السلام راست می‌آید و زیاد و کم نخواهد آمد، ابوجعفر (امام باقر علیه السلام) آن را پوشیده از قامتش بلندتر بود، من هم پوشیدم اندکی بزرگتر بود.^۲

۳۱- جبریل پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله را روز بدر نازل نمود که به خدا سوگند جنس آن از پنبه و کتان و ابریشم و حریر نبود.

راوی پرسید، پس از چه بود؟ امام علیه السلام از برگ بهشت که رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را روز بدر باز نمود آن‌گاه آن را پیچید و به علی علیه السلام داد و پیوسته با او بود تا روز نبرد بصره آن را باز نمود، آن‌گاه آن را پیچید و اکنون نزد ماست و تا وقتی که قائم علیه السلام قیام نکند کسی آن را نمی‌گشاید و هرگاه قیام کرد پرچم را باز می‌کند.^۳

۳۲- سوره مریم آیه ۵۶ ذکر شد در کتاب ادريس به درستی او پیامبر صلی الله علیه و آله راستگویی است.
وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اَدْرِيسَ، إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا.

۱. بیان الاثمه، ج ۲، ص ۲۹۱ به نقل از العوالم.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۹؛ بصائر الدرجات، ص ۱۸۸؛ الخرائج و الجرائع، ج ۲، ص ۶۹۱.

۳. الغيبة النعمانی، ص ۳۰۸؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۰؛ نجم الثاقب، ص ۱۶۹.

۳۳- نخستین امامی که به کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره کرده و از آن سخن گفته است، امام علی بن الحسین زین العابدین علیه السلام است و این مطلب حداقل در هشت کتاب معتبر حدیثی روایت شده است و نیز گاهی دیده شده است که امام باقر و امام صادق علیه السلام کتاب امیرالمؤمنین را در برابر پیروان مکتب خلفا گشوده و مطالبی از آن را به ایشان نشان داده‌اند.

دوازده امام اهل بیت علیهم السلام گاه می‌شد که حکم مسأله‌ای را از کتاب امام علی علیه السلام می‌گفتند و به کتاب امام تصریح می‌کردند و گاه نیز همان حکم را بدون اینکه نامی از کتاب امام علیه السلام ببرند بیان می‌داشتند که ما این مطلب را در کتاب معالم المدرستین شرح داده‌ایم. از همین روست که تمامی احادیث ائمه علیهم السلام را سندی واحد است و احادیث آنها با هم از یک رشته برخاسته و از یگانگی کامل با هم برخوردار است.

هشام بن سالم، حماد بن عثمان و دیگران روایت کرده‌اند که امام صادق علیه السلام فرمود:

حدیث من حدیث پدرم است و حدیث پدرم حدیث جدم و حدیث جدم همان حدیث حسین است و حدیث حسین حدیث حسن است و حدیث حسن حدیث امیرالمؤمنین و حدیث امیرالمؤمنین حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن خدای عزوجل است.^۱

۳۴- عن حماد بن عثمان قال: سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول: تظهر زنادقة سنه ثمانیه و عشرين و مائه و ذلک لأنی نظرت فی مصحف فاطمه. قال: فقلت و ما

۱. معالم المدرستین .

مصحف فاطمه؟ فقال: إن الله تبارك و تعالی لما نبیہ صلی الله علیه و آله دخل علی فاطمه من وفاته من الحزن ما لا یعلمه الا الله عز و جل، فأرسل الیها ملكاً یسأل عنها عمّها و یحدثها فشکت ذلك الی امیرالمؤمنین علی علیه السلام فقال لها، اذا احسست بذلك و سمعت الصوت قولي لی، فاعلمته، فجعل یکتب کل ما سمع حتّی اثبت من ذلك مصحفاً. قال: ثم قال: اما انه ليس من الحلال و الحرام و لكن فيه علم ما یكون.^۱

۳۵- قال الصریحی فی مجمع البحرین:
و الصحیفه قطعہ من جلد أو قرطاس کتب فیہ و منه صحیفه فاطمه و روى انّ طولها سبعون ذراعاً فی عرض الادیم فیها کل ما یحتاج الناس الیه حتّی ارش الخدش.
نکته: در مصحف حضرت زهرا علیها السلام هیچ حکمی از احکام نبوده، و قرآن هم نبوده، بلکه همگی وقایع تا آخر الزمان بوده است و این مطلب طریحی اشکال دارد.

۳۶- قال ابن المنظور فی اللسان: و المصحف و المصحف: الجامع للمصحف المکتوبه بین الدّفتین کانه ألصحف و الکسر و الفتح فیہ لغه.

۳۷- قال الازهری: إنّما سُمّی المصحف مصحفاً لانه أصحف، ای جعل جامعاً للمصحف المکتوبه بین الدّفتین.

۳۸- روایاتی که مؤید این مطلب است که مصحف علی علیه السلام

هم اکنون در نزد امام عصر علیه السلام است و آن را به هنگام ظهورش خواهد آورد. در منابع معتبر حدیثی ذیل آمده است:

- ۱- الکافی، ج ۲، ص ۴۶۲.
- ۲- بصائر الدرجات، ص ۱۹۳.
- ۳- الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۲۸.
- ۴- بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۴۴ و ص ۴۳.
- ۵- المحجة البيضاء، ج ۲، ص ۲۶۳.
- ۶- مصباح الفقيه، ص ۲۷۵.

والحمد لله رب العالمين.